

راهنمای دین پژوهی

کلیات

برای ارائه گزارش هر پژوهش، لازم است در ابتدا مسائل کلی مربوط به آن بیان شود تا پیام آسان تر انتقال یابد. بدون آگاهی (صریح) از موضوع اصلی پژوهش، مسائل پیرامون آن، ضرورت و اهمیت به این موضوع، اهداف نظری و عملی تحقیق و تعریف های عملیاتی واژه های مربوط، تصویر روشنی از پژوهش به دست نمی آید. این فصل عهده دار بیان همین امور است تا بتوان پژوهش را در اختیار دیگر پژوهشگران و علاقه مندان قرار داد.

۱-۱. موضوع پژوهش

موضوع پژوهش حاضر «تهیه و ساخت آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام» است. سعی محقق بر این است که با استفاده از آموزه ها و تعالیم اسلام پرسش نامه ای معتبر تهیه کند تا بتواند به عنوان یک مقیاس علمی، جهت گیری مذهبی افراد را بسنجد و مراتب و درجات آن را معین نماید.

۱-۲. بیان پرسش های اصلی پژوهش

آیا می توان مقیاسی برای سنجش جهت گیری مذهبی ارائه کرد؟ مقیاس جهت گیری مذهبی چه ویژگی های دارد؟ از چه مؤلفه هایی تشکیل شده و چه مواردی در آن وجود دارد؟ اعتبار و پایایی (قابلیت اعتماد) آن چگونه مشخص می شود؟ در نهایت، مجموعه پرسش نامه ای که در بردارنده شرایط علمی یک مقیاس روان شناختی است و در عین حال می تواند جهت گیری مذهبی افراد را بسنجد، کدام است؟

۱-۳ . ضرورت و اهمیت پژوهش (فواید و کنش های اساسی دین در زندگی)

آشنایی با کنش های اساسی دین در عرصه حیات بشری ، اهمیت و ضرورت پژوهش را به طور عام روشن می کند؛ پس از آن ، به وجود اختصاصی آن نیز اشاره می کنیم . در وهله نخست ، کنش های اساسی دین یا به عبارت دیگر فواید و آثاری که به طور طبیعی بر دین ورزی و دین داری افراد مترتب می شود، در سه حوزه اساسی مرتبط با یکدیگر مورد توجه قرار می گیرد؛ آنگاه به دیگر فواید آن خواهیم پرداخت .

حوزه ۱ شناختی : دین ، زندگی ما را در مجموعه هستی ، ممکن و مطبوع می سازد. گاه ممکن است آرمان ها، باورها و شناخت های ما با وضعیت عینی محیط زندگی تعارض پیدا کند که در چنین موقعیتی زندگی ناممکن می شود. یکی از این دوره درپیش آدمی قرار می گیرد: یا باید واقعیت را تغییر دهد، یعنی عین را به گونه ای تغییر دهد که با ذهن وی موافق افتد، یا باید ذهن را تغییر دهد و با عین همراه سازد. دین به عنوان دستگاهی از نماد های مقدس و آرا و ارزش های متبوع ، کار دوم را انجام می دهد. وقتی سازگاری حاصل شد، زندگی مطبوع و امکان پذیر می گردد . در جهان ، شاهد بسی ناملازمات ، شرور ، مرگ ها ، بی عدالتی ها و کژروی ها هستیم . درد، زجر، ظلم ، قحطی ، شکنجه ، تبعیض ، فقر و زیان ، ناکامی و جفا ، بیماری ، ذلت و مسکنت ، با زندگی آدمیان عجین هستند. افزون بر این ، من کیستم ؟ چرا به این جا آمده ام ؟ به کجا می روم ؟ چه باید بکنم ؟ از کجا آمده ام ؟ آمدنم بهر چه بود؟ پرسش هایی زندگی ساز و زندگی سوز می باشند و کمتر کسی است که گریبان او را نگرفته باشند. عمده این مسائل ، تعادل در حوزه شناختی را که نتیجه اش سازگاری بیرونی است ، برهم می زند . دین استگاهی است از مقدسات ، ارزش ها و افکاری که ما را در این عالم ساکن می کند، از غریبگی بیرون می آورد و جهان را خانه ما می سازد؛ ما را با خدای جهان آشنا می کند و آشتی می دهد و این آشتی و آشنایی با صاحب خانه است که ما را با این خانه انس می بخشد و طبعی برای ساختن با دنیا و هممتی برای گذشتن از آن به ما عطا می نماید . دین به عنوان یک نظام تفسیری در حوزه شناختی از چند جهت ارا نه خدمت می کند:

۱ • تفسیری همه جانبه از حیات انسانی به دست می دهد و خلا زندگی را با ایجاد معنا برای لحظه ای آن از میان برمی دارد؛

۲ • با فراهم ساختن حدود و حریم خود و الگوی مناسبات او با دیگران درخلاء بلا تکلیفی ، به

کمک فردمی شتابد و بستر لازم را برای تصمیم گیری در شرایط سخت فراهم می آورد؛

۳ • نظامی از مسئولیت ها را طراحی می کند که وظایف فرد دقیقاً در آن مشخص است و براساس

آن شخص متناسب با موقعیت های متنوع ، به پاسخ های مناسب اقدام می کند؛

۴ • دین تنظیم کننده یک رابطه ویژه و استثنایی با پدیده های ماورای طبیعی مانند خدا، پیامبران

و امامان (اولیای الهی) است و بدین ترتیب ، سطحی از روابط ویژه با منابع قدرت فراتر از مناسبات

معمولی و زمینی ، تنظیم می کند؛

۵ • دین به عنوان یک نظام مرجع با طرح هدفمندی حیات ، مرگ را نقطه پایان زندگی نمی

داند و آن را گذرگاهی برای عبور به جهانی با شکوه تر، قابل قبول می سازد.

تفسیر تجربه های دینی نیز یکی از کنش های اساسی دین در این حوزه است . به شماره آدمیان و

تنوع شخصیت های آنان تجربه های دینی داریم و وجود اسطوره ها ، رازآمیز بودن زبان دینی و

وجود اسرار و پرده های باطنی در پی اعمال و مناسک ظاهری ، تفسیر صحیح تجربه های دینی را

تأیید و طلب می کند.

میسایک (به نقل از آلتون و همکاران ۱۳۷۶، ص ۱۶۲) درباره ارزش دین برای انسان چنین

می گوید: « دین انسان را به فلسفه حیات مسلح می کند و به عقل روشنگری می بخشد، مانند قطب

نما برای کشتی ؛ دین اراده انسان را تقویت و به فرد کمک می کند تا به فرمان عقل گردن نهد...»

نظریه حس انسجام **آنتونوسکی** (۱۹۸۷) که از مطالعات وی درباره باز ماندگان اردوگاه های کار

اجباری سرچشمه می گیرد، بخشی از آن به حوزه شناختی و جهان بینی فرد اشاره دارد : « حس

انسجام عبارت است از احساس اطمینان با دوام و پویا نسبت به اینکه ۱ • محرک هایی که در طول

زندگی از محیط درونی و بیرونی فرد برمی خیزند، سازمان یافته ، قابل پیش بینی و توجیه پذیرند؛

۰ ۲ برای رویا رویی با نیازهایی که این محرک هارا بوجود می آورند، منابع در اختیار دارد؛ ۰ ۳ این نیازها چالش هایی درخور سرمایه گذاری و صرف وقت هستند. وی از پاسخ های افراد دارای حس انسجام سه ویژگی را به دست آورد: ۰ ۱ آنان که براین باور بودند که جهان قابل درک است و می توان آن را شناخت ؛ به علاوه انتظار داشتند که محرک هایی که با آنها مواجه می شدند، منظم و توجیه پذیر باشند ؛ ۰ ۲ جهان را مهار شدنی می پنداشتند و باور آنها براین بود که امور آن گونه که به لحاظ منطقی مورد انتظار است ، اتفاق می افتد؛ ۰ ۳ آنان براین باور بودند که رویدادهای زندگی معنا دارند.» بدیهی است جهان بینی مذهبی این حس انسجام را در اختیار فرد قرار می دهد.

حوزه عاطفی : کنش اساسی در این بخش رفع یا تخفیف (به تبع توجیه آن) دردورنج

آدمی در زمینه محدودیت هایش ، مانند ترس ، تنهایی ، افسردگی ، ناکامی ، بیماری فقر و مرگ می باشد. از دیدگاه پل تیلیش (پروتستان) کرانمندی و تناهی وجود آدمی است که او را به مس عله خدا سوق می دهد. وی اضطراب بی معنایی (ناشی از پوچی و بی معنایی) و اضطراب اخلاقی (ناشی از گناه و محکومیت) می داند (تیلیش ، ۱۳۶۶). ویلیام جیمز (۱۳۶۷ ص ۱۷۷) می گوید : « بارزترین ویژگی های زندگی مذهبی عبارتند از : ۰ ۱ دنیایی مرئی و محسوس که ارزش خود را از عالم غیب و نامحسوس دریافت می کند؛ ۰ ۲ وحدت با آن هدف نهایی است . نتیجه دعا و نیایش یا به عبارت دیگر اتصال با روح عالم خلقت ، ایجاد قدرت و نیرویی است که به طور محسوس دارای آثار مادی و معنوی می باشد. اولاً " ، زندگی دارای طمعی می گردد که گویا رحمت محض می شود و به شکل یک زندگی سرشار از نشاط شاعرانه و با سرور و بهجت دلبرانه درمی آید ؛ ثانیاً " ، اطمینان و آرامشی باطنی به وجود می آید که آثار ظاهری آن نیکویی و احسان بی دریغ است .»

افزون بر اینها ، در حوزه عاطفی و احساسی ، دین موضوعی برای تجربه های دینی به دست می دهد یا آدمیان را برمی انگیزد تا تجربه دینی به دست آورند؛ یعنی حیرت کردن در راز عالم ، دیدن باطن جهان ، دریدن حجاب های حس ، شهود عالم بالا و مشاهده جمال حق و راز و نیاز با او ، دیدن رابطه ممکنات با خداوند و کیفیت سریان اسم های جلال و جمال او در مراتب هستی . آدمی اهل جهل و

غفلت است و اگر او را وا بنهند قدر تجربه های دینی را در نمی یابد و به دنبال آن نمی رود، بلکه خود را در شهوات و منافع و مشاغل و تجلیات دلربای جهان مادی گم می کند. آنچه مزلو تحت عنوان " تجربه های عارفانه " یا " تجربه های اوج " ذکر می کند، محدودی ماهیت آن را بیان می نماید. خواستاران تحقق " خود"، گاه وجد و سرور و حیرتی عمیق و چیره گر نظیر تجربه های ژرف دین را تجربه می کنند. " خود" از این تجربه های اوج که مزلو آنها را در همه موضوع های آزمون سالمش مشترک دیده است، می یابد و شخص احساس قدرت، اعتماد به نفس و قاطعیتی می کند که گویی چیزی نیست که نتواند انجام دهد، یا بدان تبدیل شود؛ به علاوه ابعاد شور و هیجان هر فعالیتی که بدان مشغول است، به اوج عظمت خود می رسد...» (شولتز، ۱۳۷، ۱۳۶۲). «عواطف نیرومندی که از آن سخن گفتیم، گاهی اوقات چنان شدت می گیرند، گس ترش می یابند و از اختیار بیرون می شوند که می توانند تجربیات عارفانه خوانده شوند ... احساس گشودن چشم اندازی بی کرانه، احساس نیرومندی بسیار و در عین حال عجز بسیار، احساس حیرت و وجود سرور و سرانجام از دست دادن مقام خود در مکان و زمان [حالت بی خودی] همراه با این احساس که چیزی به غایت مهم و ارزشمند به وقوع پیوسته است ... این تجربیات، تجربه های طبیعی هستند که کاملاً در قلمرو شناخت علمی جای دارند و من تجربه های اوج نامگذاریشان می کنم.»

حوزه رفتاری و آمادگی برای عمل : مهم ترین کنش دین در این بخش « پشتیبانی از اخلاق

« است. هیچ دیانتی نمی تواند ضد عدالت، آزادی یا حقوق اصیل انسانی باشد؛ در عین حال که اخلاق، از دین مستقل است، ولی مورد تأیید و اهتمام دین است. برای بسیاری از مردم تا این ارزش ها از ناحیه یک نیروی ما فوق توصیه نشوند، اهمیت جدی نمی یابند و موثر نمی افتند. پشتیبانی دین از اخلاق به این معناست که به آدمیان اطمینان خاطر می دهد که این اخلاق برجای استوار تکیه زده است، زجرشان بی اجر نخواهد ماند و یک مرجع اصیل آن را تأیید کرده است؛ بنابراین، در عمل به آن و تبعیت از فرمان های آن جای نگرانی نیست. افزون بر آن، اجرای قانون در جامعه، کنترل و نظارت بر قاضی و محکمه قضایی و بسیاری از روابط انسانی که در چهارچوب

محدود قانون نمی‌گنجد، بلکه از اصول اخلاقی تبعیت می‌کند، همگی محتاج مهار درونی است که دین عهده دار آن است (به این معنا همان عنصر تقوا که در عمق جان‌ها نشسته باشد). یاد مرگ و یاد خداوند و رکنی است که معمولاً "در دین وجود دارد و ضامن و مولد عنصر نهایی و نهادین اخلاقی اند که هیچ دستگاه قانونی نمی‌تواند آن را تأمین کند. عجز در مقابل مرگ، انسان را رام و معتدل می‌کند. توجه به خداوند در چهره خوف آمیز آن - مانند غزالی - و یا در چهره محبت و عشق آفرین آن - مانند مولوی - خودخواهی انسان را که کلید بدی هاست، زایل می‌کند. انسان معاصر با توجه به گستره قدرت و فناوری که در اختیار او است، به اخلاقی زیستن نیاز بیشتری دارد و به مجموعه‌ای از مقبولات و عقاید مابعدالطبیعی نیازمند است و دین می‌تواند این پیش فرض‌های لازم مابعدالطبیعی را در اختیار مقرر دهد. به تعبیر روشن ترا اخلاق هویت مستقلی در قبال دین دارد (حسن و قبح اخلاقی مبتنی بر اوامر و نواهی شرعی نیست)، لیکن از دو جهت و امدار دین است:

۱. **معرفت اخلاقی**: بدون پرتو افکنی وحی، عقل نمی‌تواند حسن و قبح همه اموری را که لازم دارد، دریابد و ساختار معرفت اخلاقی بشر تنها با داده‌های وحیانی سامان می‌یابد. یکی از ملاک‌های عقلی داوری اخلاقی درباره یک عمل، غایت و نتیجه‌ای است که آن عمل به بار می‌آورد. داده‌های وحیانی که از علم الهی سرچشمه می‌گیرند، عقل را در شناسایی نتایج اعمال، به ویژه پیامدهای اخروی آنها، طوی داده و داوری اخلاقی را برای آنها ممکن می‌سازد. «تحول معرفت دینی (همانند دیگر خطوط تحول) مبتنی بر دریافت طولی از مفاهیم متافیزیکی (خدا، آخرت و...) و مفاهیم انتزاعی ارزشی - اخلاقی (راستی، دروغ، درست‌گاری، عدالت و...) است که هر یک از مفاهیم نام برده نیز خود مولفه‌های متعددی دارند که به لحاظ تحولی با ناهم‌ترازی‌های زمان شناختی و قابلیت درون‌سازی روبه‌رو هستند، ضمن آنکه تمامی آنها نیز بر بینه‌ای از ساخته شدن مفاهیم شناختی و همگام با آن، ظرفیت‌های عاطفی استوارند که باید به تدریج در کودک بنا کردند. در این خصوص، تکرار و باز هم تکرار یک واقعیت ضروری است که امروزه با تکیه بر پژوهش

های گسترده پیازه و بررسی های پس از او توسط **گلدمن** (۱۹۶۶)، **پیت لنگ** (۱۹۷۶) و

الکاینند (۱۹۶۴) مشخص کرده اند که تحول مفاهیم مذهبی تابع تحول الگوی شناختی است. «
(دادستان و همکاران، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸). مرادما جمله فوق است که مفاهیم اخلاقی بربنیادی از
مفاهیم شناختی (معرفت اخلاقی) استوارندواین همان چیزی است که در سخنان پیازه و پس از
وی کلبرگ تحت عنوان " داوری " یا " قضاوت اخلاقی " مورد تأکید و پژوهش قرار گرفته
است.

۲۰ **تربیت اخلاقی** : « علوم عملی که اخلاق هم از جمله آنهاست ، اگر منشا و اساس تحول
عملی و روحی فردشد، قدر می یابد؛ برای چنین تحولی ، معرفت اخلاقی کافی نیست ؛ چنانکه برای
درمان بیماری ، دردست داشتن نسخه پزشک کفایت نمی کند. ریشه های اخلاق را فهماندن و راه
علاج نشان دادن ، یک نفر را هم به مقصد نزدیک نکند و یک قلب ظلمانی را نور ندهدو یک خلق
فاسدرا اصلاح ننماید» (امام خمینی ، ۱۳۷۸، ص ۱۳). دین ازدوجهت این تربیت اخلاقی را امکان
پذیر می سازد؛ یکی با روش موعظه که مبتنی بر باورهای دینی خاص ، مانند جاودانگی روح انسان ،
مهر و علاقه خداوند به انسان ، حضور و نظارت خداوند بر او ، ناپایداری لذایذ دنیوی ، و توجه به
مرگ و رستخیز است که به همین جهت موثر می شود. دیگری ، ارائه اسوه ها و الگوهای برجسته
اخلاقی به جامعه بشری است که تأسی به آنان را – باتوجه با ساز کارهای روان شناختی ویژه آن
دریادگیری مشاهده ای ، به ویژه ترغیب بر محبت و مودت با آنان – آسان می سازد.
کنش های دین در قلمروهای اختصاصی تر پژوهش های روان شناختی ، در ادامه می آید.

تأثیر مذهب بر بهداشت جسمی و روانی : این موضوع در موارد زیر خلاصه می شود: رابطه

مذهب و قدرت با سرطان (آکلین و همکاران ، ۱۹۸۳) ، رابطه مثبت سلامت جسمانی و روانی با
مذهب در سالخوردگان (بیکر و دیگران ، ۱۹۸۲) ، تأثیر مثبت مذهب بر سازگاری و بهداشت روانی (
برگین و دیگران ، ۱۹۸۸ ؛ ویلیامز و دیگران ، ۱۹۹۱) ، رابطه منفی بین نورزهای افسردگی و اضطراب

با میزان عبادت (بهرامی، ۱۳۷۳)، نقش دین درمقابله با استرس یا تنیدگی (پارگامنت به نقل از ابراهیمی قوام، ۱۳۷۴) با توجه به نحوه ارزیابی فرداز عامل تهدید کننده، مهار هیجانی خوددربرخورد با موقعیت از راه معناجویی، تأثیر برپیامدهای عوامل تنیدگی را از راه تفسیر ویژه ای که مذهب دراختیار فرد می گذرد. برخی پژوهشگران (والریت و دیگران، ۱۹۹۵) با ارائه دیدگاه روانی - اجتماعی، رابطه بین مذهب و سلامت را چنین ترسیم می کنند: سلامتی دربردارنده مولفه های عمر طولانی، شاد بودن، بهبود بیماری های حادو بازگشت به سطح سلامت قبلی است. مذهب می تواند به عنوان یک نظام اجتماعی و پیچیده، بررفتار و باز خوردهای مهم از جمله برنامه -ریزی خانواده، کار، سیاست و چگونگی تفسیر زندگی روزانه تأثیر ی فراوان داشته باشد.

مذهب و مسائل اجتماعی: مذهب عامل مهمی درپیش گیری از گرایش به سمت بزهکاری است. (چادویک وتاپ، ۱۹۹۳) نوجوانان غیر بزهکار دارای باز خوردهای قوی تری نسبت به مذهب هستند (و هرا و احمد، ۱۹۹۳). گرایش به مذهب و فعالیت های مذهبی درکاهش افکار خودکشی و اقدام به آن، مصرف مواد مخدر، رفتارهای جنسی پیش از موعدو بزهکاری، تأثیر مثبت دارد (دوناهو، ۱۹۹۵؛ بور و مک کال، ۱۹۹۴)

مذهب، مشاوره و درمانگری: مطالعات روان شناختی سنت های روحانی شرق، به ویژه ذن، بودیسم و یوگا نشان داده اند که چگونه پدیده هایی چون تنظیم تنفس، مراقبه، ذکر و نظایر آنها نه تنها آغازگر بسیاری از شیوه های درمانی، بلکه امروزه از شیوه های بسیار موثر تلقی می شوند. (الهاده، ۱۹۸۷). یونگ می گوید: درمیان همه بیمارانی که در نیمه دوم حیاتم با آنان مواجه بوده ام ... یکی هم نبوده که مشکلش درآخرین وهله چیزی جز مشکل یافتن یک باز خورد مذهبی به زندگی و حیات که چیزی را که ادیان زنده هر عصر به پیروان خود عرضه می دارند، از دست داده - اند و هیچ یک از آنان قبل از یافتن بینش دینی خود، شفای واقعی نیافته اند (آلستون و همکاران، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳). روش مشاوره ای مسیحی توسط متخصصان درزمینه مسیحیت انجام می شود و مشتمل براعمال و مناسک مذهبی (مانند نماز، عبادات فردی، دعا و خواندن آیات مقدس و ...)

است که از جمله روش های درمان مذهبی محسوب می گردند (تان، ۱۹۹۱) تأثیر مذهب از طریق آموزش «خودمهارگری» بر مهار اضطراب و تنیدگی نیز قابل توجه است. (جان بزرگی، ۱۳۷۸) و. اثرهای مذهب در زندگی انسان موجب شده گروهی از متخصصان روان شناسی مذهبی به این نتیجه برسند که برای دست یابی به تشخیص و ارزیابی بهتر و درمان کامل تر بیماران، بهتر است که یک طبقه تشخیصی جدید به فهرست راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-IV) اضافه گردد. در طبقه جدید، مسائل و مشکلات مذهبی از قبیل تنیدگی ناشی از فقدان ایمان، تغییر فرقه مذهبی طی تغییر دین، افراط در باورها و اعمال مذهبی و همچنین یک ردیف مسائل معنوی مانند تجربه های جادوئی، اضطراب مرگ و مراقبه، قابل طرح است.

مذهب و تحول شخصیت: تحول شخصیت، باز خوردها و باورهای فرد درباره معنویت را نیز در بر می گیرد (آدامز و دیگران، ۱۹۹۴) روی آوردهای تحولی برای نکته تأکید می کنند که دین در مراحل مختلف زندگی به شکل خاص و متناسب با طراز تحول روانی شناختی درک می گردد (داداستان و همکاران، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸)

حمایت اجتماعی مذهب از انسان: مذهب با ایجاد یک فضای حمایتی و منبع وحدت یافتگی اجتماعی برای فرد، بر سلامت او هم در پیش گیری اولیه با از میان بردن شرایط آسیب زا یا تنیدگی زا، وهم در سطح پیش گیری ثانویه با کاهش دوره درمان، تأثیر بسزایی دارد (وروف و دیگران، ۱۹۸۱). برخی ادیان، مانند اسلام، با توصیه اعمال حمایتی خاص، مانند شرکت در تشییع جنازه و مجلس ترحیم، پیستاری از ایتم و باز ماندگان و...، مقابله با تنیدگی های ناشی از داغدیدگی را تسهیل می کنند. در مورد تنیدگی های ناشی از بیماری، به ویژه بیماری های شدید و مزمن، نیز با ترغیب بر عیادت بیماران چتر حمایتی خود را باز می کنند (دیماثو، ۱۳۷۸، ص ۷۶۵) با عنایت به کارکردهای بسیار مذهب در گستره حیات فردی و اجتماعی که متذکر شدیم، ضرورت تهیه ابزار و مقیاس سنجش دین داری یا جهت گیری مذهبی که در حقیقت گامی در مطالعه

علمی دین می باشد، بدیهی می نماید. افزون بر اینها، موارد ذیل، اهمیت پژوهش منطبق با فرهنگ خودی را روشن تر می سازد.

ضرورت تهیه ابزار سنجش منطبق بر فرهنگ ایرانی و دین اسلام : مرور مطالعات

و پژوهش های انجام شده و ابزارهای ساخته شده در این زمینه، نشان می دهد غالب اطلاعات پایه به مسیحیت مربوط است که در ملیت ها و جمعیت های گوناگون، مانند امریکا، آلمان، برزیل، کانادا، ایتالیا و لهستان، اجرا شده اند. به دلیل فقدان ابزار مناسب برای دیگر ادیان و مذاهب، تعمیم نتایج به دست آمده، چندان مناسب نبوده و ابزارهای موجود تنها برای دین مسیحیت سودمندی باشند، از این رو ضرورت تلاش برای ساختن ابزاری مناسب به منظور سنجش جهت گیری مذهبی مطابق دین اسلام و فرهنگ ایرانی، احساس می شود. البته باید اذعان کرد کوشش های ارزشمندی، به ویژه پس از انقلاب، برای تهیه ابزار سنجش ابعاد مذهبی صورت گرفته است؛ اما عمده آنها با روی آوردن نگرش خاصی توأم بوده، یا بر ابعاد خاصی تکیه داشته اند و در مورد سنجش جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام کمتر به ابزارهای نسبتاً "جامع نگر می توان برخورد کرد. افزون بر این، ضرورت بازنگری و ساخت مقیاس کامل تر با استفاده از تجربه های گذشته، امری بدیهی و انکار ناپذیر است.

۴-۱ • اهداف پژوهش هدف اصلی این پژوهش ارائه یک مقیاس (پرسش نامه) است که به

صورت کمی بتواند مولفه های مذهبی بودن را به طور کلی و به ویژه بر اساس معیارهای مستفاد از مکتب اسلام، اندازه گیری کند و مراتب یا درجات آن را نیز مشخص نماید.

اهداف فرعی یا ضمنی پژوهش که در راستای هدف اصلی قرار دارند، عبارتند از: بیان نسبتاً دقیق ابعاد و سازه های جهت گیری مذهبی، تنیین روشن و مستند مولفه های مختلفی که در مذهبی بودن دخالت دارند و نیز اثبات پایانی و اعتبار مقیاس که از نظر علمی دارای استاندارد قابل قبولی باشد. بررسی تفاوت میان ابعاد متغیرهای ویژگی (جنس، وضعیت تأهل و وضعیت اقتصادی) نیز می تواند یکی از اهداف فرعی پژوهش تلقی شود.

۵-۱ • تعریف عملیاتی واژه های اصلی پژوهش

واژه های کلیدی و اصلی این پژوهش - همان گونه که موضوع آن نشان می دهد - آزمون ، جهت

گیری مذهبی و اسلام است که به ترتیب به تعریف و توضیح آنها می پردازیم :

آزمون : آزمون دارای معانی و تعریف های متعددی است کرسینی(۱۹۹۹، ص ۹۹۰) سه تعریف

برای آن آورده است : « ۱ • شیوه ای برای معانیه و واری است که به وسیله آن بتوان تصمیم

گرفت که آیا پدیده ای خاص مانند بیماری ، اختلال یا یک ماده در ارگانیزم وجوددارد یا نه ؟ ۲ •

مجموعه استانداردی از پرسش نامه یا ضوابط دیگر که برای سنجش (برآورد) دانش ، مهارت ها ،

علاقه یا سایر خصوصیات یک آزمونی طرح ریزی شده است ؛ ۳ • مجموعه ای از عملیات که برای

سنجش اعتبار یک فرضیه طرح ریزی شده است .»

مراد ما در این پژوهش همان تعریف دوم است . برخی دیگر ، آزمون یا تست را چنین تعریف کرده

اند: « ابزار مشاهده استاندارد شده ای که به کمک آنها می توان رفتار یک فرد را بین رفتار گروه

معینی از افراد قرار داد. این تعریف نیز در چها رچوب روان شناسی افتراقی و ناظر به ایجاد تمایز

میان افراد است و البته از تعریف فوق عام تر می باشد . در این پژوهش ، مقصود از آزمون تقریباً "

همان تعریف کرسینی است ، یعنی « مجموعه استانداردی از پرسش نامه که برای سنجش برخی

ویژگی های یک آزمونی طرح ریزی شده است .» . در اینجا تنها کلمه " استاندارد " به توضیح بیشتر

نیاز دارد. استاندارد کردن به دستور العمل ، لوازم تست و کیفیت تصحیح آن مربوط است . این عمل

جنبه عینی آن را تأمین می کند و مقایسه بین افراد را ممکن می سازد. هر قدر تست ، افراد یک گروه

را از هم بیشتر متمایز سازد، حساس تر است . به کمک فنون آماری می توان وسعت خطاهای اندازه

گیری را برآورد کرد و این نشان دهنده پایداری یا به معنای وسیع تر « قابلیت اعتماد » است .

همچنین باید بررسی کرد که آیا این پرسش ها ما را به هدف مورد نظر از این تست می رسا ندیا

خیر؟ این بررسی در حکم « اعتبار » آن تست است .

نکته دیگری مه لازم است خاطر نشان شود این است که واژه « مقیاس » که در این پژوهش به کار رفته ، اشاره به همان معنای عام آن است ؛ یعنی « آنچه به وسیله آن اندازه چیزی تعیین می شود...» که گاهی از باب تفتن در عبارت به جای آزمون استعمال شده است ؛ اما معنای دقیق مقیاس در روان شناسی اصطلاح خاصی است : « مجموعه منظمی از ارقام [فقرات] که در یک سلسله متزاید بر اساس میزان ارزش یا اهمیت آنها مرتب شده اند. که در اینجا مراد نیست .

جهت گیری مذهبی : این واژه یک ترکیب وصفی است که از دو کلمه « جهت گیری » و « مذهبی » (صفت برای جهت گیری) ترکیب یافته ؛ از این رو برای روشن ساختن آن باید هر یک از این دو را تعریف کنیم تا معنای واژه مرکب مشخص گردد.

« جهت گیری » از دو بخش تشکیل شده است . « جهت » در لغت به معنای « طرف ، جانب ، کرانه ، زی ، سمت ، سوی » و « گیری » یک پسوند است که « در ترکیبات به کار رود و حاصل مصدر [اسم مصدر] سازد و به معنای گرفتن مانند آب گیری و آلت گرفتن و استخراج مانند آب میوه گیری می آید. که معنای اول مورد نظر است .

در نتیجه ، جهت گیری به معنای جهت گرفتن ، سوگیری ، به طرف یا جانب چیزی رفتن یا جهتی را به خود گرفتن و جز اینها می آید . کرسینی شش معنای تفصیلی برای جهت گیری بیان کرده که به نظر می رسد معنای ششم تناسب بیشتری با این پژوهش دارد : « روی آورد کلی شخص ، مرام و مسلک یا دیدگاه (جهان بینی) » در مجموع با توجه به آنکه واژه « جهت گیری » اسم مصدر یا حاصل مصدر است ، به نظر می رسد همان تعریف کرسینی مناسب باشد؛ یعنی روی آورد کلی شخص که به نوعی در روی تحقق یا تحصیل یافته است .

« مذهب » در لغت به معنای « جای رفتن ، روش و طریقه ، شعبه ای از دین ، دین و کیش ، نحله و هر یک از مسلک های فلسفی » است که در میان اینها ، معنای دین و کیش مناسب تر می باشد . « دین » نیز در لغت به معنای « آیین ، کیش ، راه و روش » (همان) می آید؛ بنابراین ، مراد ما از مذهب همان معنای مترادف با دین است که معمولاً " در ترجمه فارسی « رلیجیون » هردو اینها

مآید. کرسی‌نی (۱۹۹۹، ص ۸۲۷) در تعریف « دین » می گوید: « منظومه سازمان یافته ای از ارزش ها و اعتقادات که به عنوان سرمشق های اخلاقی و اجتماعی از آن استفاده می شود. « اخلاق و رفتار مذهبی را چنین تعریف کرده است: « مجموعه منظمی از اعتقادات، مراسم [یا تشریفات] و اعمالی که در ارتباط با یک موجود متعالی مانند خداوند یا خدایان ویا در رابطه با انسان های دیگر انجام می گیرد. « (همان) « ایمان مذهبی » را این گونه تعریف می کند: « اعتقاد به یک موجود متعالی با قدرت روحانی که معیارهای اخلاقی را تعیین می نماید، به دعا و عبادت ما پاسخ می دهد و در مورد پیروزی و غلبه نهایی خیر بر شر اطمینان خاطر عطامی کند، معمولاً " - نه همیشه - با یک نظام دینی مشتمل بر اعتقادات و مناسک ملازم است .

بنابراین، « جهت گیری مذهبی » را می توانیم چنین تعریف کنیم: « روی آورد کلی شخص که از مذهب اتخاذ کرده است؛ یعنی در ارتباط با موجودی متعالی (قدسی) مجموعه ای از اعتقادات، اعمال و تشریفات خاص را در زندگی دارد. جهت گیری مذهبی را می توان تقریباً " معادل دین داری یا دین ورزی گرفت .

اسلام: واژه اسلام در لغت به معنای « گردن نهادن، مسلمان شدن، در سلامتی درآمدن، دین پذیرفتن، اطاعت از امر و نهی خدا » و « دینی که محمد بن عبدالله (ص) آورد و مبتنی بر گفتن شهادتین [اشهدان لا اله الا الله و اشهدان محمداً رسول الله] و اعتقاد بدان و عمل به واجبات [نماز، روزه، زکات، حج، و غیره] است. « دائرة المعارف بزرگ اسلامی در ذیل واژه « اسلام » توضیحات مفصلی دارد که به بخش کوتاهی از آن اشاره می کنیم: « اسلام یکی از ادیان توحیدی است که از حدود ۶۱۰ میلادی، به وسیله حضرت محمد (ص) در مکه تبلیغ گردید و با گسترش سریع و چشمگیر، در فاصله ای کمتر از نیم قرن، دین غالب بر بخش وسیعی از آسیا و آفریقا گشت. پیروان این دین « مسلم » یا « مسلمان » خوانده می شوند. اسلام در لغت به معنای انقیاد و گردن نهادن است و در کاربرد دینی آن، به تسلیم در برابر فرمان و حکم الهی اشاره دارد. بنابراین آیات قرآنی که اصیل ترین منبع شناخت دین اسلام است، این دین به هیچ روی میان پیامبران الهی جدائی قائل

نیست ، بلکه در بیان قرآن همه پیامبران ، مبلغ دینی واحد با صورت های گوناگون بوده اند که همان دین اسلام بوده و تعلیم مشترک آنها، تسلیم در برابر فرمان خداوند یکتاست .باین پایه ، گاه در قرآن کریم ، از اسلام همان دین مشترک توحیدی یا به تعبیری دیگر « دین الله » اراده شده است که همه انبیا مبلغ آندو دینی جز آن نزد خداوند پذیرفته نیست و والاترین نمونه آن دین اسلام و تکمیل کننده ادیان پیشین الهی است که حضرت محمد بن عبدالله (ص) به تبلیغ آن مبعوث شده ، و در طول ۲۳ سال به ادای آن اهتمام ورزید؛ بنابراین ، مراد ما در این پژوهش از دیدگاه اسلام آموزه هایی است که دقیقاً" و به طور مستند از مکتب اسلام ، یعنی از دو منبع معتبر آنکه قرآن و احادیث نبوی و معصومان (ع) است ، قابل استخراج می باشد.

پس از روشن شدن مفاهیم کلیدی موضوع پژوهش ، می توانیم در یک جمله بگوییم : مراد از تهیه آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر دیدگاه اسلام عبارت از : « تهیه و ارائه پرسش نامه معتبری که بتواند روی آورد کلی شخص را که از دین اسلام به صورت مجموعه های از اعتقادات ، اعمال و تشریفات و ... اتخاذ کرده ، بسنجد.»

گزیده مطالب

یکی از تعریف های مورد توجه اندیشمندان برای انسان ، « انسان دین ورز » است . با توجه به گستره وسیع پژوهش درباره دین ، این تحقیق از زاویه خاصی به دین و دین داری نگریسته است . تهیه آزمون جهت گیری مذهبی بر اساس دیدگاه اسلام ، موضوع این جستار و هدف اصلی آن است ؛ به دیگر سخن ، پاسخ به این سوال که " مقیاس سنجش جهت گیری مذهبی دارای چه ویژگی هایی است و از چه مولفه هایی تشکیل شده و صورت نهایی پرسش نامه معتبر و هنجارگزینی شده آن کدام است ؟ وجه اهتمام این پژوهش می باشد . ضرورت و اهمیت آن در سه قسمت : کلی (ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری انسان به طور کلی در رابطه با دین) ، اختصاصی (تأثیر مذهب بر ابعاد بهداشتی - روانی و جسمی ، مسائل اجتماعی ، مشاوره و درمان گری ، تحول شخصیت و

حمایت اجتماعی) و در خصوص تهیه ابزاری منطبق با فرهنگ داخلی، تبیین و بررسی شده است؛ همچنین در این فصل با تعریف روشن و عملیاتی واژه های کلیدی پژوهش (آزموم، جهت گیری مذهبی و اسلام) مقصود نهایی چنین بیان شده: «تهیه و ارائه پرسش نامه معتبری که بتواند روی آورد کلی شخص را که از دین اسلام - قرآن و احادیث معتبر - به صورت مجموعه ای از اعتقادات، اعمال و تشریفات اتخاذ کرده، بسنجد». در فصل بعد، مبانی نظری و سوابق پژوهش درباره موضوع های دین، آزمون های روانی، و آزمون مذهبی را دنبال خواهیم کرد.

فصل دوم

مبانی نظری

بررسی علمی هر موضوع نیازمند توجه به پشتوانه های نظری آن است که مشتمل بر نگاهی تاریخی - تحلیلی به موضوع و مولفه های اصلی آن می باشد تا آنکه بتوان جغرافیای موضوع را در پاراداریم علوم مربوط به روشنی معین کرد و با عنایت به ادبیات پژوهش در این موضوع و سوابق تحقیقات پیرامون آن، گامی هر چند کوچک در پیشرفت دانش بشری برداشت؛ از این رو در این فصل مبانی نظری دین، آزمون های روانی و آزمون مذهبی را پی می گیریم.

۱-۲-۰ دین

۱-۱-۲-۰ تاریخچه ادیان: دین وجه امتیاز اصلی بشر است، تاکنون هیچ حیوانی نشانه ای از یک حیات بروز نداده و یا هیچ کاری نکرده که بتوان آن را تمهیدی برای زندگی پس از مرگ او به حساب آورد. در تاریخ بشر هرگز حتی قبیله ای وجود نداشته که به گونه ای دین نداشته باشد، حتی بوته کاران نواحی مرکزی استرالیا و هندی های پاتا نیا، که دارای ابتدایی ترین شکل های موجود زندگی بشری هستند، نیز به گونه ای به عالم ارواح اعتقاد دارند و به نوعی مشغول پرستش می باشند. ادیان را در سه بخش ابتدائی، باستان و پیشرفته تقسیم می کنند:

ادیان ابتدائی: دین درصور نخستین آن درمقابل تاریخ و اقوام ابتدائی ، آدمیزاد را توانا ساخت تا نسبت به حقایق عالم هستی که در محی ط و مجاور آن بودند (مانند قوای طبیعت ، ارواح گذشتگان ، نیروی موجود دربشر وموسسات اجتماعی) ، روش خاصی درپیش گیرد. درمطالب ذیل به مهم ترین صفات مشترک ادیان ابتدائی که از بررسی مذاهب ملل بوی درعصر حاضر به دست آمده اند ، اشاره می شود

الف – شی ء مقدس : مکان یا شی ء خاصی که منشاء خیر یا شر می باشدوقدرت احیا یا اعدام دارد.افرادی که دارای صفات ویژه هستند ، مانند کاهن یا رئیس قبیله ، می توانند با آن تماس بگیرند.

ب – مانا: اعتقاد به نیروی حیاتی پویا ، یک قدرت ساکت و یا نامعلوم که درهر شی ء موجود است و خاصه ای شیه نیروی مافوق طبیعی داردکه دارای فعالیت و قوه حیاتی دراشیاست .

ج – تابو: نوعی حرمت وممنوعیت نزدیک شدن به رئیس یا شیخ قبیله و یا وسایل وی ، بدین علت که وی انباشته از نیروی ماناست .درباره برخی افراد یا امور دیگر نیز این تابوها مشاهده می شود.

د- آداب تطهیر و تصفیه: کسی که برخلاف قاعده رسم تابو را بشکند ، آلوده ونجس شمرده می شود؛ همچنین تولد ، مرگ ، ریختن خون و... موجب پلیدی است وباید خودرا تطهیر کند . طرق تطهیر مانند روزه ، تراشیدن مو، درخاک غلیتدن و ... می باشند.

هـ – جاندار پنداری : نوعی حس پرستش ارواح ، معنی اعتقاد به این امر که همه موجودات ، اعم از زنده ومرده ، دارای روحی هستندکه در آنها پنهان است ؛ به ویژه انسان دارای روحی است که هنگام خواب به طور موقت و هنگام مرگ به طور کلی ، بدن را ترک می کند .

و – پرستش : به سه صورت پرستش یک شی ء روحی که درآن است ویا احترام به آن به عنوان مظهر رمزی یک حقیقت عالی قابل پرستش است .پرستش درانواع عبادت سنگ ها ، گیاهان ، جانوران و عناصر جهان (آب و آتش...) است .

ز - **قربانی** : تقدیم هدایایی به صورت حیوان ،انسان و حتی ایثار جان و خودکشی ، برای آرام

کردن قوای ما فوق بشر که همراه بکلمات و اوراد خاص در مکان هایی انجام می گرفته است .

ح - **احترام اموات** : تصور فنا و نیستی درباره کسانی که عمری با ما بوده اند، بسیار دشوار است ؛

از این رو از گذشته های دور ارواح سود بخش ، جنبه اساطیری و تقدس و حتی الوهیت پیدا کرده

اند و برای جلوگیری از اذیت ارواح زیان بخش که با ناراحتی از این دنیا رفته اند ، تدابیری می

اندیشیده اند.

« دیری ها » در جنوب شرقی استرالیا ، « بیرهورها » در جنگل های هندوستان و « باوندا » در جنوب

آفریقا نمونه های بارز اقوام ابتدایی هستند که دارای چنین باورهایی می باشند.

از آنجا که شرک و بت پرستی (تقدیس « فتیش » که پاره ای اشیای بی جان طبیعی یا مصنوعی

دست ساز بوده است) برخلاف باورهای توحیدی ، دارای مظاهر و آثار مادی متنوعی در حیات انسان

است ، مانند بت ها ، سنگ ها ، گیاهان و حیوانات مورد پرستش ، طبیعی است که کاوش های

تاریخی ، بیشتر بر آثار و نشانه های چنین باورهایی دست یابند و کمتر بتوانند پیشنهاد

توحیدی را در تاریخ بشر نشان دهند، ولی این واقعیت نباید به معنای نفی توحید در باورهای بشری

قلم داد شود. شاهد براین مدعا اعتقادات برخی اقوام ابتدائی در عصر حاضر است ، مانند « دیری ها »

که اعتقاد به موجودی فوق طبیعی دارند و در آسمان ، پیری آسمانی ، ازلی و جاوید و غیرمخلوق که

پیش از همه موجودات بوده و شبیه و نظیری ندارند... این پدر جاودانی آسمان اسم هایی دارد، ولی

غالباً " در موقع اشاره به او ، اسم او رانمی برند و از وی به اشاره « پدرما » تعبیر می کنند....

اطلاعات و قراین بیشتری در دست است که نشان می دهد تمام طوایف بومیان استرالیا گونه ای

اعتقاد به یک خدای بزرگ دارند... ؛ اقوام « باوندا » نیز افزون بر اعتقاد به ارواح به تعدادی قوای غیبی

و تصاویری و اوصاف گوناگون نیز معتقد هستند... و بالاخره از همه این ارواح ناپیدا بزرگ تر و عالی

تر همانا روح موجود متعال مستور و مرموز است که به گفته ایشان را لوهیمبا نام دارد . این خدای

واحد، آفریننده و برخلقت جهان دست در کار است و در نقطه معینی در آسمان ها جای دارد.

ادیان باستان (تمدن های ابتدایی) : پس از گذشت دوره های نخستین ، تاریخ آدمیان به

تدریج شاهد ظهور تمدن های بزرگی در گوشه و کنار زمین گردید. در این زمان ، از یک سو عناصر اصلی دین ورزی قبایل بدوی استمرار یافت ، هر چند که گاه در صور و اشکال جدیدی تجلی می کرد . برای مثال ، اعتقاد به توتم و فتیش و جاندار پنداری در گونه های مختلف خودبه تمدن های نوظهور انتقال یافت)؛ اما از سوی دیگر ، این تمدن ها مهد تولد اشکال نسبتاً " جدیدی از خدا پرستی ، مانند شرک و « رب الارباب پرستی » گردید.

الف – مصر : نخستین مظاهر خدایان مصری ، در صورت حیواناتی مانند شغال ، تمساح ، قوچ

، شیر و ... (سر این حیوانات) و با بدن انسانی مورد پرستش بودند، البته از آن جهت که برای آنها قوای انسانی یا ما فوق انسانی قائل بودند. آفتاب به جهت تأثیر در نمو غلات مورد توجه بسیار و پرستش مصریان بود . بعدها در عصر اهرام (۲۶۰۰-۲۷۰۰ ق.م) فرعون مصر هم با لقب « فرزند رع » (پسر آفتاب) معروف شد . پتاح را خالق کل می دانستند که عالم را از ماده گل قدیم آفریده است . رب النوع های دیگر محافظ قبور ، الهه کتابت ، الهه راستی ، رب شکار و ... دلالت بر چند گانه پرستی دارد. زندگی پس از مرگ را نیز به همراه افسانه هایی قبول داشتند. « اختانون » از فراعنه مصر نیز مدتی توحید و یگانه پرستی را رواج داد.

ب – بابل : تمدن بین النهرین دارای الواح ، کتیبه ها، معابد کاهنان و خدایان بسیار است .

سومریان افزون از چهار هزار رب النوع داشتند که هریک مظهر جزئی از طبیعت شمرده می شد، ولی شش تای آنها تفوق داشتند ، مانند « آنو » رب آسمان و رب الارباب کهنسال و « عشتار » خدای مونت یا مادر کل .

مردوخ – خدای بابل – نیز به جهت عظمت حکومت حمورابی (۲۰۲۵-۲۰۶۷ ق.م)

بزرگی یافت تا آنکه معبود خاص و عام شد. حماسه ها و اسطوره های بابلی (در الواح گلی به خط میخی) درباره خلقت (مشابه حضرت آدم) ، طوفان نوح (ع) ، هبوط عشتار به سرزمین اموات و ...

مشوب به افسانه و حقیقت وجود دارد که سراسر ، روح نهانی مردم بابل را نشان می دهد . سعادت و نیکبختی را سراسر در این جهان می پنداشتند، دستگاه کاهنان بسیار منظم بوده و در تموری مانند قربانی ، افسون ،نماز ، توبه نامه و مطالعه کواکب ، به کلهنان متوسل می شدند .

ج یونان : خدای عظیم و بزرگ ترین الهه یونان که پدر آسمانی و نازل کننده باران است ، **زئوس**

می باشد .خدایان دیگر مانند **آپولون ؛ آفرودیته** (الهه عشق) ، **هرمس** و... بعداً" به ظهور درآمده اند و دارای حماسه های ،عشق ،جنگ و نزاع و حکومتند .افزون برای آنها ، یونانیان برای طمأنینه روحانی خودبه یک سلسله عقاید و مناسک نهفته و سری که به طور خصوصی به افراد تعلیم داده می شد،روی آوردند.افراد با خلوص و شوق بسیار حتی درمواقع خطر نیز از آن مراسم و مناسک دست بر نمی داشتند . این عقاید و مراسم که بعدها با عنوان « ارفئوسی » معروف شد، عبارت بود از طهارت ،پاکی ،پوشیدن جامه های سفید ، اجتناب از خوردن گوشت حیوانات و محرمت و گذراندن عمر به روحانیت برای نیل به سعادت و دوری از عذاب جاودان دردنیای دیگر .

د - روم : رومی ها از دین اصلی خودبا تعبیر «نوما» یاد می کردند ؛ یعنی قوای کلی ووغیر

مشخص که هیچ گونه تجسم خارجی برای آنها قائل نبوده و تصور خاصی از آن نداشته اند، لیکن بعدها اعتقاد به خدایان مرئی و شبیه انسان را از یونانی ها اقتباس کرده اند در امور مختلف کشاورزی ، خانواده و غیره به ارواح متعدد ، احترامی شبیه پرستش رومی داشتند و بالاتر از همه این ارباب انواع ، یوپیتز یعنی پدرآسمانی قرار داشت که مولد باران و آفتاب فروزان بود . آداب مذهبی و تشریفات آن می بایست به صورت درست و دقیق اجرا می شده وهرگونه تکلم غیرضروری موجب ابطال عمل بوده است . ۱۰۴ روز درسال مراسم مذهبی خاصی داشتند . ساختن مجسمه وپیکر خدایان درمعابد درقرن شش قبل از میلاد به جهت استیلای آتروسک ها، وجودداشته است .

ه - هند : مذهب های مردم هند به خوبی این نکته را شرح می دهندکه احساسات بشری

نسبت به حوائج روحانی و عقلانی در این جهان ، چگونه است . علی رغم اختلاف فراوان مذاهب درهند ،براین نکته توافق عمومی وجود داردکه مردم هند به ظواهر دنیای مادی قانع نشده اند و

جسم و جسمانیات در نزد آنها در مرحله ثانوی قرار دارد و معتقدند در عالم ، حقایقی مربوط به زندگی و عقل و روح است که بالاتر از عالم ماده می باشد. همه مصایب طبیعت و مظاهر زندگی ، فریبنده و با حقیقت متضاد است. برای وصول به سر منزل نجات و رستگاری سه دین عمده با فروغ آن درهند وجود دارد که دراصل وریشه با یکدیگر متفقند:

۱ • هندوئیسم (برهمنیزم) که خطای عمده انسان را در طرز اندیشه و تفکر او می داند ؛ بنیان گذار خاصی ندارد؛ به کتاب « وداها » معتقدند و خدایان متعددی را پرستش می کنند (دراوپانیشادها نوعی توحید یا وحدت وجودی مشاهده می شود). طبقت چهارگانه کاست ، نظریه تناسخ و قانون کارما از عقاید آنهاست .

۲ • جینیسم : عمل انسان را سرچشمه سعادت و نجات می داند، و انسان باید طوری عمل خود را پیراسته سازد که از آرایش ماده درامان ماند و در مراتب روحانیت صعود کند. مهاویره (۵۲۷-۵۹۹ ق م) بنیان گذار آن است. پس از دوازده سال ریاضت شدید، به مقام (رهایی از دلبستگی به جهان) رسید. تعالیم وی مشتمل بر اعمال ریاضت آمیز است و معبدی به نام « مهاویره » در نزدیکی کلکته در اختیار دارند.

۳ • بودایی : منبع گمراهی را در عوالم جسمانی احساسات ظاهری جای می دهد. امیال بشری او را به بدبختی می کشاند، و باید به عالم فکری و عقلی وارد شود تا به آسایش جاوید روح برسد. ترک دنیا راه رهایی از آلام روحی است. بودا، سیدارته گوتمه (۵۶۰ ق.م) ، بنیان گذار آن است. وی پی از شش سال ریاضت و نیل به مقام نیروانا، تعالیم خود را شروع کرد. تنها راه نجات را تکیه بر نفس و نیروی ذاتی خود و تهذیب باطن می داند. وی مانند مهاویره در باب وجود مافوق طبیعت و خالق آسمان ها سخن به میان نیاورده است و تعالیم وی عمدتاً " به صورت یک مکتب و طریقت فلسفی قلمداد می شد، لیکن پس از وی با گرایش انبوه مردم به تعالیم بودایی ، او را دارای تجلی الهی دانستند که برای نجات یک دین و روش مذهبی پیش رفتند.

و - چین : اساطیر موهوم چینی یک نکته را به خوبی نشان می دهند و آن اینکه چینیان به قدمت تاریخ و فرهنگ خود ایمانی استوار دارند. عناصر اصلی دین چینیان عبارتند از :

۱ . یانگ و یین : هرشیء در طبیعت از تفاعل و تعامل این دو قوه مثبت و منفی به وجود می آید و حرکت می کند.

۲ . تائو : حسن تناسب و انتظام در جهان نتیجه خوی کیهانی تائو است . هرگاه اشیا در مسیر طبیعی خود سیر کنند، هر آینه به نهایت تناسب و کمال نایل می شوند؛ زیرا تائو مسیر ازلی عالم هستی است .

۳ . نظریه باستانی حکومت : خاقان از طرف آسمان برگزیده شده تا بین بشر ارواح هماهنگی ایجاد کند.

۴ . پرستش زمین همراه با جشن حاصلخیزی به صورت عام ، و پرستش خدای آسمان مخصوص سلاطین بود که با اهدای قربانی و سجده انجام می گرفت . به ارواح خیر و شر نیز معتقد بودند. لائوتسه (لاؤتزو) و کنفوسیوس دو حکیم چینی بودند که تعالیم آنها برای سعادت و نیکبختی مردم بسیار مورد توجه قرار داشت ، تاحدی که معبدی برای هر دو ساختند و به صورت یک دین دولتی مورد احترام و تکریم و زیارت و اهدای قربانی قرار می گرفتند. بدین ترتیب می توان عناصر مشترک باورهای دینی در ادیان باستان را به گونه زیر برشمرد:

۱ . در این آیین ها ، بیشتر به جای خدای واحد ، سخن از خدایان متعدد و چندگانه پرستی بود؛

۲ . این خدایان و ارباب انواع غالبا " در مظاهر طبیعی ، اجرام آسمانی ، برخی حیوانات و حتی انسان ها حلول می کردند؛

۳ . این خدایان در اثر تحولات اجتماعی ، جنگ ها و برخوردهای تمدن های مجاور به شدت در معرض تغییر و تحول بودند؛

۴ . بیشتر به یک رب الارباب ، خدای برتر و مافوق آسمانی که بر دیگر خدایان سلطه داشت ، قایل بوده اند.

۵. در میان اقوام ، اسطوره های مختلفی درباره خدایان رواج داشت ، مانند زادو ولد، جنگ و ... ؛
۶. غالب خدایان ، موجودات مجرد و متعالی از ماده نبوده اند، بلکه شخصیتی انسان وار داشته اند؛
۷. در بسیاری از اقوام باستان ، مناسکی مانند قربانی و اهدای هدایای مادی برای تقرب به خدایان وجود داشته است ؛

۸. مراسم عبادی پرستش و تقدیس خدایان با اندک تفاوتی در همه ادیان باستانی به چشم می خورد.

ادیان پیشرفته : مراد از ادیان پیشرفته ، زرتشت ، یهود ، مسیحیت و اسلام می باشند که

در صورت اصیل و تحریف نشده آنها بر خدای واحد متعالی (مجرد از ماده) تأکید شده است ؛ مدعی پیام جهانی اند و یک نظام اعتقادی - عملی خاص را عرضه کرده اند. به ادیان سه گانه زرتشتی ، یهود و مسیحیت نگاهی می افکنیم و اسلام را به صورت مستقل در بخش بعد می آوریم .

الف - دین زرتشت : زرتشت (۶۶۰ تا ۵۵۰ ق. م) با ظهور خود، آیین پیشین ایرانیان (آیین چند خدایی مزدیسنا) را اصلاح کرد و آنها را به یکتاپرستی سوق داد. وی پس از ۷ سال مراقبه در خلوت و سال ها عبادت ، خود را پیامبر از طرف خداوند خواند و مردم را به عبادت **امورا مزدا** (خدای حکیم) دعوت نمود. وی تمام خدایان و ارواح بلند مرتبه مورد پرستش عامه را مصدر شر و بدی دانست . اهورا مزدا را بالاترین و بزرگ ترین خدایان موجدنور و ظلمت و آفریدگار دانا خواند و دین خود را کامل ترین ادیان معرفی کرد. به فرشتگان (امشاسپندان) به عنوان ارواح مقدس و مجری اراده الهی باور داشت .

در برابر هر نیکی بوی وجود دارد و هر دو مخلوق اهورا مزدا ست . پایه و اساس اخلاق در ضمیر آدمی ، جدال میان خیر و شر است که انسان با آزادی و اختیار کدامین راه را برگزیند. تشریفات عبادی مانند تقدیس آتش و اعتقاد به بهشت و دوزخ از دیگر باورهای زرتشتیان است . کتابشان نیز اوستاست که بعداً " دستخوش تحریفات شد و خدایان کهن باستانی (مانند میترا خدای خورشید، ناهیدو...) ب - یهود: اعتقاد به خدای واحد (یهود) عادل در تمام دوران مذهبی قوم یهود آشکارا است

و «عهدعتیق» (مشتمل بر تورات و کتب انبیاء و دیگر قسمت ها) ، سند تاریخی قوم یهود است . دین یهود به وسیله حضرت موسی (ع) (۱۲۵۰ ق.م) بنیان گذاشته شد . از جمله تعالیم وی ده فرمان درباره توحید و نفی شرک و بت پرستی ، احترام والدین و تکریم روز شنبه ، منع از قتل ، زنا ، دزدی ، شهادت دروغ و ... ، گرامی داشتن اعیاد بسیار مانند فصح ، ماه نو و ... ، صلوات ارحام ، فدیه و قربانی نماز صبح ، عصر ، مغرب و جز اینهاست . انبیای بسیاری پس از درگذشت حضرت موسی (ع) در میان بنی اسرائیل ظهور و آنان را به اصلاح مذهبی و تعالیم موسی (ع) دعوت کردند . با شور و جذبۀ ناشی از ایمان قلبی خود ، مردم را موعظه می کردند . دین یهود شاهد ظهور فرقه های مختلف و تاریخ بسیار پر فراز بوده است .

ج - مسیحیت : سرگذشت مسیحیت ، تاریخ دینی است که از عقیده به تجسم الهی در جسد شارع و بانی آن ناشی شده است . حضرت عیسی (ع) (متولد ۴ ق.م) در حدود سی سالگی (به باور مسیحیان) در « بیت لحم » - جنوب اورشلیم - خود را مبعوث از طرف خداوند اعلام نمود . وی در میان مردم می رفت ، با آنان معاشرت داشت و آنها را نصیحت می کرد . تعالیم وی به دور از اصطلاحات و با تمثیل هایی از حیات انسانی و مظاهر طبیعت همراه بود . از صفات خدا سخن می گفت (ذات قادر ، حاکم بر موجودات ، منزّه و عادل و مهربان که مشیت وی بر غفران و عفو آدمیان است) . خدا را « پدر آسمانی » و انسان را « پسر گمشده » او می دانست . اگر انسان ملکوت را طلب کند ، خوراک و پوشاک به موقع به او خواهد رسید و این مسیت حق است . وی داعی ترک دنیا نبود ، بلکه خود در جشن ها شرکت می کرد . آدمی باید بکوشد تا وحدت بین جسم و روح برقرار کند (جسم مطیع روح و روح در جهت مشیت الهی) . منتهای مذهب و روح تمام کلمات عیسی (ع) « خداوند » و خویش را به کلی تسلیم او و مشیت او کردن است . مسائل اخلاقی را موقوف تشریفات و آداب اجتماعی می دانست . بدی را با بدی نباید تلافی کرد و ... با توجه به تحولات بسیار در دین مسیحیت و تشکیلات کلیسا و تفاوت های خاصی که بین فرقه های کاتولیک ، ارتدوکس و پروتستان وجود دارد ، عملاً " اعتقاد نامه نیقیه « که در آن به اقالیم سه گانه « اب » و « ابن » و « روح القدس » اشاره شده ، به

عنوان یکی از اصول اعتقادی مسیحیان (تئوژن) درآمد . مقدسات سبعة مانند تعمید ، تأیید (تثبیت ایمان) ، ازدواج مسیحی ، دست گذاری ، اعتراف (آیین توبه) ، تدهین وعشای رابانی با اندک اختلاف در میان فرقه های مختلف ، از باورهای آنان محسوب می شود . عهدجدیدمشمتمل بر ۲۷ کتاب (اناجیل اربعه ، اعمال رسولان ، نامه های رسولان و مکاشفه) نیز میثاق م شترک مسیحیان به شمار می آید.

جمع بندی

بررسی و مطالعه تطبیقی ادیان بزرگ جهان مانند زرتشت ، یهود ، میسحیت و اسلام و ادیان شرقی و هندی و نیز مطالعه تاریخی ادیان و نگاهی به محتوای آنها از ادیان ابتدایی تا ادیان باستان و ادیان پیشرفته ، نتیجه اش وجود عناصر مشترکی در ادیان است که می توان از آنها با عنوان « جهت گیری مذهبی عمومی یا کلی » ، یاد کرد . برخی مانند استاد مطهری با تعبیری مشابه به دین واحدیا اشتراک ادیان اشاره دارند: « از نظر قرآن دین خدا از آدم تا خاتم یکی است . همه پیامبران اعم از پیامبران صاحب شریعت و پیامبران غیر صاحب شریعت به یک مکتب دعوت می کرده اند . اصول مکتب انبیاء که دین نامیده می شود ، یکی بوده است . تفاوت شرایع آسمانی یکی در سلسله مسائل فرعی و شاخه ای بوده که بر حسب مقتضیات زمان و خصوصیات محیط و ویژگی های مردمی که دعوت می شده اند ، متفاوت می شده و همه شکل های متفاوت و اندام های مختلف ، یک حقیقت و به سوی یک هدف و مقصد بوده است . دیگر در سطح تعلیمات بوده که پیامبران بعدی به موازات تکامل بشر ، در سطح بالاتری تعلیمات خویش را که همه در یک زمینه بوده ، القا کرده اند ... » قرآن کریم دین خدا را از آدم تا خاتم یک جریان پیوسته معرفی می کند و یک نام روی آن می گذارد که «اسلام» است ؛ یعنی حقیقت دین دارای ماهیتی است که بهترین معرف آن لفظ اسلام می باشد : «ان الدین عند الله الاسلام»

هنگامی که به صورت عینی نیز به مطالعه ادیان بپردازیم ، عملاً " با یک سری عناصر مشترک روبه رو می شویم که می توانیم آنها را اصول عمومی دین داری بنامیم .

۱. خدانشناسی و یکتاشناسی ؛
۲. نیکوکاری و دستگیری از ضعفیان ؛
۳. راستی و درستکاری و دروغ نگفتن ؛
۴. پاکدامنی ؛
۵. دزدی نکردن و رشوه نگرفتن ؛
۶. وفای به عهد؛
۷. مراعات پاکیزگی و طهارت ؛
۸. عبادت و استعانت از خداوند با نماز و دعا؛
۹. نیاززدن حیوانات بی آزار؛
۱۰. احترام به پدر و مادر؛
۱۱. آنچه بر خود نمی پسندی به دیگران روا مدار؛
۱۲. میانه روو معتدل بودن ؛
۱۳. محبت به یکدیگر و خدمت به خلق ؛
۱۴. تقوی و پرهیزکاری ؛
۱۵. بی گناه را نکشتن ؛
۱۶. آباد کردن جهان ؛
۱۷. یاد کردن از مردگان با خیرات برای ارواح ایشان ؛
۱۸. اعتقاد به (نوعی) پاداش و کیفر پس از مرگ ؛
۱۹. معاش از راه درست ؛

بنابراین یکی از منابع مطالعاتی ما برای ساخت آزمون جهت گیری مذهبی ، همین مواد و عناصر مشترک ادیان است .

۲-۱-۲. تعریف دین

تلاش برای تعریف « دین » به معنای یافتن ماهیت متمایز یا شاید یگانه آن با سلسله ای از صفات که دین و شوون مربوط به آن را از بقیه زندگی انسان متمایز گرداند، عمدتاً " یک رویکرد غربی است (برخاسته از ادیان سامی و ابراهیمی که توحید، تمایز بین یک الوهیت متعال مشخص و کل ماسواست)؛ اما در جوامع بدوی، دین چنان آمیخته با زندگی روزمره است که هرگز در عمل و نظر نمی توان آن را از دیگر شوون زندگی متمایز کرد. هنگامی که ادیان خاور دور (تائو، کنوسیوس و شینتو) را نیز در نظر بگیریم، همین مشکل به صورتی که برخی آن را « جهان گرایی » نامیده اند، رخ می نماید؛ یعنی قایل شدن به تقدس، خوبی و کمال همه نظام طبیعی و طبیعت (باز هم نتیجه اش تقریباً " عدم تفکیک و عدم تعریف دین یا زندگی براساس دین خواهد بود). لیکن به نظر می رسد با توجه به تعریف هایی که در ذیل می آید، حتی در مورد ادیان ابتدائی و ادیان شرقی نیز بتوان میان زندگی دینی و غیر دینی تفکیک کرد.

ریشه لغوی دین: « دین » کلمه ای است عربی که در زبان های سامی مانند عبری و آرامی به کار رفته و به معنای قضاوت و جزا آمده است؛ مانند « یوم الدین ». دین در زبان عربی به معنای اطاعت، انقیاد و آیین و شریعت - یعنی وضع و تأسیس الهی که مردم را به رستگاری هدایت می کند و شامل عقیده و عمل هر دو است؛ مانند دین یهود، اسلام... - آمده است. دین در زبان اوستایی و کتاب زرتشت به صورت « دئنا» آمده که به معنای وجدان و ضمیر پاک می باشد. در زبان های مشتق از لاتین، دین به صورت « رلیژئون » آمده که مشتق از مصدر لاتینی « رولی گاره » به معنای به یکدیگر پیوستن است؛ بنابراین، رلی ژئون از نظر ریشه لغوی به معنای پیوند و ربط بین اقوامی است که متعقد به عقیده خاص روحانی می باشند. کلمه « رلی ژئون » به معنای مذهب از ریشه لغت لاتین گرفته شده و به معنای « عقد رابطه دوطرف » است؛ یعنی آداب و رسوم مذهبی روابط افراد با یکدیگر را برقرار می کند.

تعریف دین از دیدگاه صاحب نظران : تعریف های متعددی ارائه شده که نشان دادن جامع و مانع نبودن این تعریف هابه عنوان بیان کننده ، چندان کار مشکلی نمی باشد؛ لیکن می توان گفت هریک از این تعریف ها کوششی جهت بیان جوهر دین و جنبه محوری آن است :

الف – جیمز مارتینو: دین اعتقاد به خدای سرمدی است ؛ یعنی اعتقاد به این که حکمت و ارا ده ای الهی برجهان حکم می راند [خدایی] که با بشر دارای مناسبات اخلاقی است .

ب- ماتیو آرنولد: دین اخلاقیاتی است که به کمک احساسات تعالی یافته ، برانگیخته شده و فروزان کشته است .

ج – ادوارد کایرد: دین یک فرد عبارت است از بروز تلقی نهایی وی از جهان و حاصل جمع معنا ومفاد بصیرت کامل وی نسبت به امور .

د- هارا لد هافدینگ : جوهر دین اعتقادی است به دوام ارزش درجهان.

ه- فردریک شلایر ماخر: جوهر دین عبارت است از احساس تعلق یا اتکای مطلق

و- اما نوئل کانت : دین عبارت است از تشخیص همه وظایف به عنوان دستورات الهی

ز- ماکس مولر: دین یک قوه وتمایل فکری است که مستقل از حس و عقل (نه علی رغم آن دو) ،بشر را قادر می سازد « بی نهایت » را تحت اسامی گوناگون درک نماید.

ح – آلن منزیس : دین عبارت است از پرستش قدرت های بالا به دلیل نیاز .

ط – ویلیام جیمز : دین همان گونه که ما اکنون از شما می خواهیم داوطلبانه آن را بپذیرد، باید برای ما به معنای احساسات ، اعمال و تجربیات هریک از افراد بشر در خلوت خودشان تا جایی که خودرا در رابطه با هریک آنچه که الهی می پندارندو می بینند، بوده باشد.

قسمت شخصی مذهب (بعد باطنی درمقابل سازمان ها و نهادهای مذهبی و روحانیت ، مثل عبادات ، علم کلام اعمال و...) حتی درنظر آنان که آن را جزء قسمتی از مذهب عبارت خو اهدبوداز تأثرات و احساسات ورویداهایی که برای انسان از این مجموعه درمی یابدبین او و آن چیزی که آن را « امرقدسی » می نامد، رابطه ای برقراراست .

ی - **مایکل پترسون** : دین تشکیل شده از مجموعه ای از اعتقادات ، اعمال و احساسات فردی و جمعی که حول مفهوم حقیقت نهایی سامان یافته است . اعتقادات گزاره هایی هستند که صادق تلقی می شوند، یا مشمول صدق و کذب می شوند؛ اعتقادهایی ناظر به ماهیت واقعیت متعالی ، واکنش مناسب به آن و برخی موضوع های مربوط . اعمال از انجام شعایر دینی تا التزام به یک زندگی اخلاقی ، معتبر است . احساسات مورد نظر ادیان نیز از احساس خشیت و خشوع تا خوش بینی ، نسبت به زندگی و جهان متغیر است .

ک - **علامه طباطبایی** : دین روشی مخصوص در زندگی است که صلاح دنیا را به گونه ای که موافق کمال اخروی و حیات دائمی حقیقتی باشد، تأمین می کند؛ پس در شریعت باید قانون هایی وجود داشته باشد که روش زندگانی را به اندازه احتیاج روشن سازد . دین چیزی نیست جز سنت حیات و راه و روشی که بر انسان واجب است آن را پیشه کند تا سعادت مند شود؛ پس هیچ انسانی هیچ هدف و غایتی ندارد مگر سعادت ، و تمامی انواع مخلوقات به سوی سعادت خود هدفی که ایده آل آنهاست ، به صورت فطری هدایت شده اند . دین در عرف قرآن همان سنت اجتماعی جاری در جامعه است که می تواند دین حق فطری باشد یا دین تحریف شده از راه حق .
در اینجا، تعریف دین عمدتاً " از منظر قرآن و در گستره ای عام (قریب به همان سنت های جاری و هنجارهای مستقر در جامعه) مطرح شده است .

ل - **آیه الله جوادی آملی** : معنای لغوی دین انقیاد، خضوع ، پیروی ، اطاعت ، تسلیم و جزاست و معنای اصطلاحی آن « مجموعه عقاید، اخلاق قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان ها باشد» .

م - **استادملکیان** مجموعه گزاره هایی که پس از اعمال روش شناسی علوم تاریخ در مورد سخنان به جا مانده از مرجع یا مراجع فوق سوال یک دین صدورشان از آن مرجع یا مرجع احراز شود؛ دین نام دارد.

ن - دکتر اعوانی : دین خطاب خداوند است با انسان از طریق وحی ، پس دین دو جنبه دارد : یکی الهی و دیگری بشری ، بدین معناکه یک طرف دین خداوند است و طرف دیگر آن انسان ؛ پس دین مواجهه انسان است با خداوند ، مطلق است با مقید .

جمع بنـدی : به نظر می رسد در مجموعه تعریف ها، دو رویکرد کلی را می توانیم مشاهده کنیم ، اول ، دین را با تأکید بر تحقق آن در انسان و آثار روان شناختی و یا احیانا " اجتماعی آن تعریف کرده اند، این تعریف از دین با معنای لغوی « رلیژیون » تناسب و احتمال دارد . به همین دلیل ، این تعریف در میان اندیشمندان غربی بیشتر شایع شده باشد. در همین روی کرد نیز هر کدام به یک بعد آن بیشتر توجه کرده اند، مانند بعد شناختی ؛ عاطفی ، احساسی و یا ابعاد رفتاری و آثار اجتماعی آن . این رویکرد با معنای دین در زبان فارسی و عربی کمتر انطباق دارد و با معنای « تدین » در عربی و « دین داری » یا « دین ورزی » در زبان فارسی بیشتر منطبق دارد . در این قسمت جامع ترین تعریف از مایکل پترسون است :

« دین متشکل از مجموعه ای از اعتقادات ، اعمال و احساسات (فردی و جمعی) است که بر محور مفهوم حقیقت غایی ، سامان یافته است . » . تعریف کرسینی ، در فصل اول ، نیز به آن نزدیک است و جهت گیری مذهبی با این معنا قرابت بیشتری دارد.

دوم ، دین را یک پدیده مستقل از انسان از انسان در نظر می گیرد که به یک تغییر با معنای شریعت قرابت دارد و البته با موارد استعمال دین در زبان فارسی (مانند دین موسی ، دین اسلام و...، شما دارای چه دینی هستی ؟ و...) سازگار است . دین در زبان عربی در اصل به معنای جزا و طاعت است ، لیکن استعمال آن در مورد قانون و شریعت (به اعتبار آنکه طاعت و انقیاد در آن در نظر گرفته شده است) نیز بسیار است ؛ از جمله در قرآن « قل اننی هدئی ربی الی صراط مستقیم دینا قیما " مله ابرهیم حنیفا " (انعام ، ۱۶۱) « ما جعل علیکم فی الدین من خرج » (حج ، ۷۸) « لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی » (بقره ، ۲۵۶) ، « هو الذی ارسل رسوله و بالهدی و دین الحق " (توبه ، ۳۳) و...؛ بنابراین ، همان گونه که در فصل اول از کتب لغت نیز نقل کردیم ، به ویژه در زبان

فارسی دین به معنای آیین ، کیش و راه و روش می آید و در روی آورد دوم ، مناسب ترین تعریف از آقای ملکیان می باشد: « مجموعه گزاره های معتبر به جا مانده از مرجع با مراجع فوق پرشش یک دین را دین می نامند. » این گزاره ها می توانند در یک متن مشخص ، مکتوب (مانند قرآن) و یا به صورت شفاهی از راه های معتبر نقل شده باشند؛ به هر حال دین در اصل معنا بر همین مجموعه گزاره های خاص منطبق است و برای اشخاص معتقد به آن ، به صورت مجموعه اعتقادات ، احساسات و اعمال خاص تحقق می یابد.

۳-۱-۲-۰ ساختار دین و حیات دینی : درباره مولفه ها و سازه هایی که دین را تشکیل می

دهد و حیات دینی را محقق می سازد، دیدگاه های مختلف را مرور می کنیم :

دیدگاه ویلیام جیمز: الف - نگرش ویژه به جهان : درمبحث ایمان دیده می شود که چهره

دنیا در نظر مردم با ایمان فرق می کند. افراد مذهبی به طور کلی قبول دارند که هر واقعه وامری که به زندگی آنها ارتباط دارد، به نظرشان انعکاسی از مشیت الهی است و این مشیت الهی که از نظرها پنهان است ، در نمازها و دعاها به شدت مشهود می گردد.

ب- تأثیر امور ماورای طبیعت (خارج از اراده ما): درعالم مذهب با یک قسمت از فطرت و ساختمان بشری سروکار داریم که بستگی و ارتباط نزدیکی به ماورای حس و وجدان دارد...؛ درایمان خزانه ای است که همه نیروهای مخفی ما ، همه آن اندیشه ها و افکاری که هیچ وقت تصور آن را هم نمی کردیم ، وجود دارد . هیجان های غیرمترقبه ، دوستی ها و دشمنی های بدون علت ، تعصبات ، فرضیه ها و اظهار نظرهای تهورآمیز ، اطمینان هایی که گاهی در ما پیدا می شود، خرافات ، امیال ، آرزوها ، همه اعتقاداتی که نمی توان برای آنها دلیل تراشید، آنجا منبع و سرچشمه همه خواب های ماست . همه رویدادهای عرفانی ما، همه الهامات و وحی های حسی و یا تحریکی از آنجا سرچشمه می گیرند. زندگی مذهبی ما هم از این سرچشمه سیراب می شود... زندگی مذهبی بستگی بسیار به امور غیر ارادی دارد. درزندگی سران مذهبی کمتر ممکن است امور غیرارادی دیده نشود...همه مصلحان بزرگ مذهبی و قدیسان عظیم الشان حالات مکاشفه ، استماع هاتف غیبی و اشراق های درخشان

داشته اند. عالم غیب (ماورای ماده و طبیعت) واسرارآمیزی که مورد بحث ماست ، یک عالم خیالی و وهمی نیست ؛ زیرا؛ چنانکه می بینیم ، در این دنیای محسوس اثر و عمل دارد. وقتی ما با آن عالم ارتباط پیدامی کنیم ما را دگرگون می کند، ما آدم نویی می شویم ؛ مثل اینکه روح نویی در ما دمیده باشند ؛ اعمال و رفتار ما کاملاً " عوض می شود... ما مسیحیان این حقیقت عالی را خدا می نامیم .

ج – بعد عقلی ایمان یا دین : وقتی که ایمان تنها بر پایه عواطف و احساسات نباشد، بلکه به همراه آن معرفت هم باشد، اینجاست که اعتقادات ریشه های عمیق و محکمی در قلب خواهند داشت ؛ از این رو است که مذهبی های پرمعرفت به کوچک ترین معتقدات خود دلبستگی عمیق و شدید دارند.

د – جنبه عاطفی و آرامش در دین : در تمام مذاهب دو چیز هستند که مشترکند : از یک طرف احساس یک ناراحتی درونی ، و دیگری رهایی از این ناراحتی . احساس ناراحتی این است که حس می کنیم در وجود ما یک عیب و نقصی هست که از آن آرامش نداریم . رهایی این است که احساس می کنیم هرگاه با قدرتی مافوق خودارتباط حاصل کنیم ، از این ناراحتی نجات خواهیم یافت . در برخی از مردم ، این آرامش ناگهان ایجاد می شود و نذر پاره ای کم کم و به تدریج ، بعضی دیگر افرادی هستند که تمام عمر از این آرامش بهره مندند.

ه – جاودانگی و ازلی بودن روح : مذهب چیزی نیست که باقیمانده از زمان های قدیمی باشد؛ مذهب عامل همیشگی ، ابدی و ازلی روح بشر است ... غالب معتقدین به مذهب می گویند : واقعی ترین اثر وجود خداوند در بشر ، جاودانی بودن بشر است . برای یک قسمت بزرگ از نژاد بشر مذهب ؛ یعنی جاودانی بودن بشر و خداوند، علت جاودانی بودن بشر است و هر کس به نظر در این امر شک داشته باشد، خدا را نشناخته است .

البته ویلیام جیمز امور یاد شده را دسته بندی نکرد، بلکه از لابلای کلام وی استخراج شده است . وی به صراحت دین را از تجربه های واقعی زندگی انسان به شمار می آورد و دارای دو ثمره مادی

و معنوی می داند. سه عنصر از عوامل اصلی مذهبی بودن را نذروقربانی ، اعتراف و توبه ، ودع و نیایش به درگاه خداوند می داند، لیکن مذهب شخصی را مهم ترین عنصر به شمار می آورد : « بی گمان پاره ای از ارواح مقدس و شریف به مقامات بسیار عالی مذهبی رسیده و تجربه های بسیار گران بهایی کسب کرده اند؛ اما مذهب هرکس به آن اندازه است که خود اوبه آن رسیده است . شخصیت هرکس پایه اصلی مذهب او می باشد.»

دیدگاه ویلیام پی الستون : وی مشخصات اساسی و اختصاصی دین را چنین می شمارد.

الف - اعتقاد به موجودات فوق طبیعی (خدایان)؛

ب- تفکیک میان اشیای مقدس و غیرمقدس ؛

ج - اعمال و مناسکی که بر امور مقدس تکیه دارد؛

د- قانون اخلاقی که اعتقاد به مصوب بودن آن از ناحیه خدایان ، وجود داشته باشد؛

هـ - احساساتی که مشخصه دینی دارند (خشیت ، احساس رمزدراز، احساس گناه ، پرستش و ...) که

در محضر امور مقدس و در ضمن مراسم خاص سربرمی آورند؛

و- دعا و دیگر صور ارتباط با خدایان ؛

ز - یک جهان بینی و تصویر عام از جهان به عنوان یک کل و موقعیت فرد در آن؛

ج - نظامی کم و بیش کامل در مورد چگونگی حیات فرد که بر جهان بینی مبتنی است ؛

ط - یک گروه اجتماعی که امور فوق آنان رابه هم پیوسته است .

آلستون می افزاید : می توانیم جهت تعریف دین بگوییم وقتی که مقداری لازم از این مشخصه ها

به میزان کافی وجود داشته باشد، مایک دین داریم ...؛ بنابراین ، بهترین راه برای شرح مفهوم (یا

ساختار دین) این است که جنبه های شایسته یک مورد کاملاً آرمانی از دین را به طور مشروح

مطرح نماییم و سپس به جهت هایی که طی آن ، موارد مبهم می توانند با این مورد آرمانی تفاوت

یابند، اشاره کنیم ، بدون امید به اینکه خط دقیقی بیابیم که « دین » را از « لادینی » جدا نماید.

همین نکته را - مراجعه به نمونه های کامل - ویلیام جیمز در مورد افراد دین دار بیان می کند : « همان گونه که هرگاه شما بخواهید در اسرار علمی وارد شوید به حالت ها و موارد معمولی و دسته دوم مراجعه نمی کنید، بلکه به مواردی که مربوط به اساتید آن فن و علم که در آن موضوع زیاد پیشرفت کرده اند، مراجعه خواهید کرد... در موضوع مذهب همین راه را خواهیم پیمود؛ پس از آنکه شواهدی از زندگی پیشرفته ترین مردم مذهبی به دست آوریم و از این راه به اسرار مذهب آشنا شدیم که بهترین و اصلی ترین اسراری است که می توانیم در مورد مذهب کشف کنیم ؛ آنگاه به سراغ دیگران می رویم.»

دیدگاه وینسون کینگ : ویژگی ها و ساختارهای حیات دینی از دیدگاه کینگ عبارتند از :

الف - سنت گرایی : در ادیان مختلف سخن از بازگشت به دین و سنت اصیل اولیه آن است ؛ برای مثال ، آیین پروتستان در صدد بازگشت به مسیحیت اصیل (در عهدین) و زدودن پیرایه های کاتولیک رومی است ، و یا احیا گران اسلام از بازگشت به دین و سنت ناب قرآنی سخن می گویند.

ب - اسطوره و نماد: سنت های دینی سرشار از اسطوره و آکنده از نماد است. اسطوره های دینی به صورت شیوه های عمل ، یعنی شیوه ارتباط انسان با واقعیت های طبیعی و محیطی ، درآمد است . نماد همان زبان اسطوره هاست ؛ آنجا که ماهیت بس مهم اما مرموز واقعیت غایی قصای انسان دینی است ، به گونه ای مبهم و تار ، از ورای منشوری دیده می شود، جز با شیوه های نمادین چگونه می توان از آن سخن گفت . زبان دین سرشار از تمثیل ها ، استعاره ها ، شعرها ، شعائر (اعمال ویژه) و حتی سکوت است ؛ زیرا نماد، ما بازای چیزی غیر از خودش است و انگشت اشاراتی به واقعیت دارد. از آنجا که نمادها با تخیل و احساسات آدمی سخن می گویند نه صرفاً " با قوه عاقله ، از فرهنگ های پرورنده شان پایدار ترند.

ج - مفاهیم رستگاری : همه ادیان اساساً و سائلی هستند برای نیل به رستگاری در مراتب

وسطح های گوناگون . رستگاری دوجنبه دارد: یکی چیزی که انسان ها باید از آن رها شوند و دوم

چیزی که باید به آن و یا در آن باقی بمانند (متعلق آن در ادیان متفاوت است) . رستگاری از نعمت های طبیعی و امنیت از خطر ها تا پیروزی دولت و ارزش های درونی (پرورش وجد و حال و بقای روح پس از مرگ و حیات باطنی) تعالی می یابد. رستگاری دردین ناظر برارضای کلی ، مطلق و گاه استعلایی نیازهای انسانی است .

د- مکان ها و اشیای مقدس : حضور درمنطق و مکان های خاصی که توسط حد و مرزهای طبیعی ، آیینی و روانی از مکان های عادی جدا شده هاد، مانند صحن ها ، حرم ها ، کلیسا ها ، مسجدها ، کنیسه ها ، معبدها و مشاهد مشرفه ، جلوه های م رئی انقطاع دینی از جهان پیرامون است . از کسانی که وارد این مکان ها می شوند ، خواسته می شود اعمال خاصی را که از این انقطاع حکایت دارد، انجام دهند؛ مانند غسل و تطهیر، بیرون آوردن کفش ، دعا و مناجات ، تعظیم و احترام ، سکوت ، روزه داشتن ، لباسی خاص پوشیدن و احساس توبه و انکسار کردن . وجود اشیا و یادگارهای متبرک و مقدس که از درجات مختلف تقدس برخوردارند، در این مکان ها قابل توجه است . مکان های مقدس از آن روی مقدسند که واقعه ای در آنها روی داده یا ممکن است روی دهد(آیین ها و شعایر خاصی دارند و امید شفا بخش در آن محل وجود دارد).

ه- اعمال مقدس (شعایر) : انواع شعایر، وعظ، خطابه ، سرود، مناجات ، تعظیم ، زانو زدن ، تقدیم هدایا ، قربانی ، رقص و سماع را شامل می شود و ویژگی های شعایر عبارتند از : نظم (الگوهای آیینی یا اعمال استاندارد شده که گاه دقیق و پیچیده است)؛ کاربرد لغات ، اعمال و اروراد خاص ؛ بعد باطنی و عمقی که معمولا تحت نظر یک روحانی و همراه با احساس انس ، آرامش و همدلی اجرایی شود.

و- نوشته های مقدس : در جامعه های باسواد، آثار مکتوب مقدس که معمولا از آثار اولیا، قدیسان و پیامبران (موسسان دین) تشکیل شده اند، اهمیت دینی قابل توجهی دارند . این مکتوبات به عنوان حدیث حق و حقیقت و شرح و بیان راه و رسم درست می باشد که مومنان و سالکان باید

درپیش گیرند. تعبیر و تفسیر شارحان از متون مقدس در دوره های بعد، معمولاً " منشاء انشعاب هایی در دین اصلی بوده است .

ز- **جامعه مقدس** : هر دینی یک ساختار جمعی یا اجتماعی دارد که ، مومنان و معتقدان به دین به طور عام هستند و به گونه ای از دیگران ممتازند. در برخی ادیان ، تأکید بیشتر بر تجربه و حال است ، از این رو طبقات خاص روحانیان و کاهنان ، مجریان شعایر در مشاهده مشرفه اند که از نظر شخصیت و تربیت صلاحیت لازم را دارند.

ح - **تجربه مقدس** : مقصود تجربه ها و احوالی است که در حوزه دین رسمی رخ می دهد؛ از این رو برجستگی آن در چندان است ؛ هم از تشخص دینی برخوردار است و هم در زمینه خود صراحت و شدت دارد. اینها نمایانگر طیف به هم پیوسته ای است که در اصطلاح به آن « احوال عرفانی » می گویند. نمونه های خفیف آن احساس خشوع و خشیت در مشاهده مشرفه ، احساس حقارت در برابر حضور هستی یا حقیقتی شگرف ، میزان فوق العاده از مسرت یا احساس صلح و صفای ناگهانی و اعتقاد قطعی به استجاب دعاست و مراتب بالاتر آن احساس جسمانی گرما یا آتش ، مانند شوک الکتریکی ، احساس اعتقاد قوی به آمرزش گناهان ، مانند شنیدن ندای جبرئیل به وسیله پیامبر اکرم (ص) و یا دیدن (تجلی) خداوند در افق اعلاهی آسمان به وسیله اشعیای نبی (ع) می باشد. ویژگی های تجربه های عرفانی در آخرین مرحله آن عبارتند از : ۱ . ناگهانی و صرافت طبع آن (بدون اعلان قبلی) ؛ ۲ . مقاومت ناپذیری آنها؛ ۳ . کیفیت متقاعد سازی مطلق و ثاقت واقع گرایانه آنها؛ ۴ . کیفیت معرفت روشن آنها. این تجربه های ویژه انبیاء ، اولیا و روشدلان ، نقش معمی در اغلب سنت های دینی ایفا می کند و اطمینان و اعتبار ژرفی به ایمان در همه سطح ها بخشیده است .

جمع بندی

هنری پوانکاره در مذمت فروگاهش و تقلیل گرایی علم جدید، به تمسخر می پرسد : آیا عالم طبیعی ای که فیل را از راه میکروسکوپ شناخته معتقد است که به قدر کفایت ، آن حیوان را می

شناسد؟ ... بی گمان پاسخ مثبت ، تردیدآمیز خواهد بود؛ همچنین مذهبی بودن پدیده ای مذهبی تنها به شرط آنکه در جهت و وجه خاصش درک شود، یعنی با مقیاس مذهبی مورد مطالعه قرار گیرد، آشکار می گردد. اگر بخواهیم با مقیاس های صرفاً " فیزیولوژیکی ، روان شناختی ، علم اقتصاد، زبان شناختی ، هنر و غیره ، به مطالعه دین پردازیم ، درحقیقت به امانت رفتار نخواهیم کرد؛ یعنی به غفلت ، گوهر یگانه و غیرقابل تأویل و تقلیلش را که همانا خصلت قدسی پدیده مذهبی است ، از دست خواهیم داد.

با عنایت به توصیه پوانکاره مبنی برپرهیز از گونه تقلیل گرایی دین با استفاده از مقیاس های علوم دیگر ، می توانیم ساختار دین را با استفاده از آرای ویلیام جیمز، آلستون ، کینگ و دیگران به طور خلاصه در مقوله های ذیل در نظر بگیریم :

۱ + نگرش ویژه به جهان : اعتقاد به عالم غیب ، خداوند ، موجودات فوق طبیعی و پذیرش جهان بینی عام ؛

۲ + تأثیر امور ماورای طبیعت در جهان : تحقق یافتن مشیت الهی به صورت غیر ارادی درانسان به شکل های گوناگون تجربه دینی ، مکاشفه و رویاهای معنوی ؛

۳ + جاودانگی انسان : باور به اینکه انسان دارای روح جاودانه ، ازلی و ابدی است ؛

۴ + مکتوبات مقدس : کتب آسمانی و مآثورات موسسان دین که راه و رسم دین داری را بیان می کنند؛

۵ + مفاهیم رستگاری و قانون اخلاقی : مصوب از ناحیه خداوند که امور اخلاقی را بیان می کند؛

۶ + امور مقدس : مکان ها ، زمان ها و اشیای مقدس که دارای آداب مذهبی ویژه ای می باشند،

۷ + بعد عقلی ایمان : معرفت نسبت به عقاید دینی سیره موسسان و فدیسان ، اندیشه در دین ، اسطوره ها، نهادها و رمز و راز های آن ؛

۸ + جنبه عاطفی و احساسی ایمان : حالت نیایش ، آرامش ، احساسات دینی ویژه مانند خوف ، خشیت ، بهجت ... و احساس گناه ؛

۹. جنبه های عملی ایمان : نذر، قربانی ، نماز و مناسک دینی ، عبادت های گوناگون ، رفتن به زیارتگاه ها و معابد.

۱۰. گروه اجتماعی موم نان : درراس و پیشاپیش آنان روحانیان و کاهنان قراردارند و دیگران متناسب با مرتبه ایمانی خود قرار می گیرند.

۴-۱-۲ اسلام

از آنجا که این پژوهش بر مبنای دین اسلام است ، لازم است مبانی نظری دیدگاه اسلام را درباره جهت گیری مذهبی بیان کنیم . اسلام دینی است که بر « تسلیم » بودن در برابر مشیت خداوند یگانه و قبول و حدانیت او استوار است . دین اسلام دین تسلیم در مقابل « الله » یعنی آن واقعیت متعالی است که همه مراتب دیگر واقعیت از او نشأت می گیرد و همه چیز به او باز می گردد؛ زیرا الله مبدأ، خالق ، حاکم ، حافظ و غایت هستی است . اسلام به برکت همین تسلیم ، به صلح و سلام نیز دست می یابد. اسلام چیزی نیست جز زندگی کردن مطابق با خواست و مشیت پروردگار برای به دست آوردن رستگاری در دنیا و سعادت و رستگاری در آخرت . اسلام دین را نه تنها بخشی از زندگی ، بلکه تمامی زندگی می داند. دین از دیدگاه اسلام نفس زندگی است ؛ یعنی در لحظه لحظه آنچه انجام می دهیم ، می اندیشیم و احساس می کنیم جریان دارد و البته پاسخ به این پرسش که « ما از کجا آمده ایم ، به کجا خواهیم رفت و چگونه به سعادت نایل می شویم ؟ » نیز در ضمن آن است.

با نگاهی به تاریخچه اسلام ، منابع معتبر و تعالیم اسلام ، مطالب یاد شده روشن تر خواهد شد.

تاریخچه اسلام : دین اسلام با بعثت پیامبر بزرگ آن حضرت محمد بن عبدالله (ص) در سال ۶۱۰ میلادی در شهر مکه آغاز گردید. تولد حضرت محمد (ص) در سال ۵۷۰ م (عام الفیل) بوده ، پدرش عبدالله - فرزند عبدالمطلب - و مادرش آمنه - دختر وهب - هر دو از قبیله بزرگ قریش بودند. وی کودکی را به یتیمی و تحت سرپرستی جد خود عبدالمطلب و عمویش ابوطالب گذارند. شهرت وی به راستگویی و درستکاری او را « محمد امین » لقب داد و توجه خدیجه (ع) را که

بانوی بزرگ مکه بود، برای همسری خود جلب کرد. پیامبر تا زمان بعثت نزد مردمان شهر خود، به عنوان فردی اهل تأمل و تفکر شناخته شده، و از خوی و رفتارهای ناپسند قوم خود سخت ناخشنود بود و به ویژه از بت پرستی روی برمی تافت. محمد (ص) دیر زمانی را به تنهایی در غار حرا (کوهی نزدیک مکه) به سر می برد و در خاموشی به اندیشه و تأمل مشغول می گشت.

گفته اند: نخستین نشانه های بعثت پیامبر رویاهای صادق است، اما آنچه به عنوان آغاز بعثت روایت شده، ظهور فرشته وحی در غار حراست که آیات ابتدائی سوره علق را بر پیامبر خواند. پیامبر دعوت به توحید را از خانواده خویش آغاز کرد و در ابتدا خدیجه و علی ابن ابیطالب (ع) به وی ایمان آوردند و سه سال پس از بعثت، دعوت خود را آشکار کرد و شمار مسلمانان روبه فزونی نهاد. علی رغم تمام سختی ها و فشارها، دعوت و تبلیغ پیامبر در مکه حدود ۱۳ سال ادامه یافت و پس از آن با هجرت پیامبر (ص) به مدینه نقطه عطفی در تاریخ اسلام آغاز شد؛ یعنی پیامبر اکرم عملاً در راس حکومتی قرار گرفت که می بایست بر مبنای شریعتی آسمانی جامعه ای نوین بنا نهاد. در دوران پیش از هجرت و پس از آن، در موقعیت های مختلف آیاتی از قرآن به تدریج نازل می گردید و علاوه بر دعوت به توحید و منع از بت پرستی و شرک، در مسائل مختلف مومنان را هدایت می فرمود و افزون بر آنها پایه های یک حکومت اسلامی را در شئون مختلف زندگی در مدینه ترسیم می کرد. در مدت ده ساله عمر پیامبر گرامی اسلام (ص) در مدینه تعالیم مختلف اسلام به تدریج از راه وحی بیان می شد و مومنان را با وظایف خود آشنا می ساخت. مسرلهانان برای ادامه بقا و نشر اسلام ناگزیر شدند جنگ های متعددی را متحمل شوند و در بی نهایت اسلام در سال ۸ ه.ق با فتح مکه در سراسر عربستان حاکمیت یافت و پیامبر اسلام (ص) نامه هایی برای دعوت فرمانروایان و پادشاهان ممالک اطراف فرستاد و آنان را به اسلام دعوت کرد. در سال ۱۰ ه.ق پیامبر پس از بازگشت از حجه الوداع در جایی به نام غدیر خم، علی بن ابیطالب (ع) را «مولا» ی مسلمانان و جانشین خود اعلام کرد و در اوایل سال ۱۱ ه.ق رحلت کرد.

در توصیف رفتار و صفات پیامبر (ص) گفته اند: اغلب خاموش بود و جز در حد نیاز سخن نمی گفت بیشتر تبسم داشت و هیچ گاه به صدای بلند نمی خندید. چون می خواست به سوی کسی روی کند، با تمام تن خویش برمی گشت. به پاکیزگی و خوش بویی بسیار علاقه مند بود؛ چندان که چون از جایی عبور می کرد، رهگذاران پس از او، از اثر بوی خوش، حضورش را در می یافتند. در کمال سادگی می زیست، بر زمین می نشست و بر زمین خوراک می خورد و هرگز تکبر نداشت. هیچ گاه تا حد سیری غذا نمی خورد و در بسیاری موارد گزسنگی را پذیرا بود. باین همه چون راهبان نمی زیست و به فرموده خود از نعمت های دنیا به اندازه بهره گرفته، هم روزه داشته و هم عبادت کرده است. رفتار او با مسلمانان و حتی پیروان دیگر ادیان، روشی مبتنی بر شفقت و بزرگواری، گذشت و مهربانی بود. سیرت و زندگی وی چنان مطبوع دل مسلمانان بود که تا جزئی ترین گوشه های آن را سینه به سینه نقل می کردند و تا امروز سرمشق زندگی خود قرار داده اند.

منابع معتبر اسلام: آموزه های اسلام از دو منبع معتبر قرآن و سنت به دست می آید. اولی مورد اجتماع و اتفاق مسلمانان و دومی نزد اهل سنت به گفتار و رفتار پیامبر منحصر است و نزد شیعیان شامل همه چهارده معصوم (پیامبر ص)، فاطمه زهرا (ع)، امیرالمومنین و یازده امام پس از ایشان (می شود. از جمله دلایل شیعه حدیث متواتر و قطعی نقلین است. «من از میان شما می روم در حالی که دو امر گرانسنگ باقی می گذارم که اگر به آن دو جنگ بزنید، هرگز گمراه نمی شوید؛ کتاب خدا و عترت من، اهل بیت من، و این دو هرگز جدا نمی شوند تا نزد حوض کوثر بر من وارد گردند.»

الف - قرآن: قرآن مجید واقعیت مرکزی و مقدس اسلام است. معانی، الفاظ، اصوات و حروفی که واژه های این کتاب با آنها نوشته شده و در بی نهایت کالبد آنکه این کلمات را دربر گرفته است، همگی در نظر مسلمانان مقدس می باشد. قرآن (مانند تورات و انجیل) صرفاً صورت باز نگاشته انسانی کلمه «الله» نیست، بلکه کلمه به کلمه این کتاب کلام خداوند است؛ همچنان که خداوند خودش فرموده: «ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیندیشد.» برخلاف بسیاری از کتب

مقدس که شیوه جمع آوری و تدوین آنها دقیقاً روشن نیست و احیاناً "دستخوش تحریف گشته اند، قرآن کاملاً در دیدرس تاریخی ما نازل شده و آغاز و پایان آن به دقت آشکاراست. آیات قرآن در طول سال ۲۳ سال بر پیامبر (ص) نازل می شده و اصحاب آن را به حافظه خویش می سپردند و با توجه به حافظه نیرومند اعراب آن روزگار، به عنوان قومی که دارای سنت شعری و ادبی بسیار عنی بودند، هر زمان لازم دیگر بار به خاطر می آوردند. این آیات گاهی براستخوان های شتر و ورق های پاپیروس نوشته می شد. پس از رحلت پیامبر، از آنجا که شمار حفاظ قرآن به سبب جنگ ها و حوادث طبیعی کاهش یافت، مسلمانان احساس کردند، باید هرچه زودتر قرآن را کتابت و تدوین کنند؛ از این رو، قرآن به وسیله کاتب وحی، به ویژه علی بن ابی طالب (ع) وزیرین ثابت، گردآوری شد و بنابه دستورهایی که پیامبر گرامی (ص) داده بود، در ۱۱۴ سوره، که اینک در دست ماست، تدوین گردید؛ سپس از مصحف نهایی چندین نسخه تهیه و به چهار گوشه جهان اسلام ارسال شد. قرآن کریم همان گونه که خداوند ضمانت فرموده بود: «بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.» از هرگونه تحریف مصون ماند. قرآن کتابی است که به تصریح خودش برای هدایت انسان ها به راه استوار بیان کننده هر چیز [مورد نیاز برای هدایت و رحمت] (نحل، ۸۹)، شفای دردها و مرهم زخم ها (اسراء، ۸۲)، کتاب حق و حقیقت (شورا، ۱۷)، کتابی گرانسنگ و عظیم (حجر، ۷۸)، با پیام آشکار و روشن (حجر، ۱)، که برای فهم آن باید در آن تدبیر کرد (نساء، ۸۲ و سوره ص، ۲۹) و در نهایت کتابی است که فراگیری و یاد آوری آموزه های آن آسان و در دسترس است (قمر، ۱۷، ۲۳، ۳۲، ۴۰ و...)؛ بنابراین، بدون تردیدی از منابع مادر این پژوهش برای ترسیم نیم رخ جهت گیری مذهبی بر اساس اسلام، آیات قرآن کریم خواهد بود.

ب- حدیث و سنت: مسلمانان، پیامبر گرامی اسلام (ص) را کامل ترین انسان و اشرف مخلوقات خداوند می دانند. خداوند همه فضایل و کمالاتی را که مقام بشری قابلیت وصول بدان را دارد به پیامبر اکرم (ص) ارزانی داشته و او را به این مقام ستوده است «وراستی که تو را خوبی والاست.» از این رو، مسلمانان او را نمونه تمام عیاری برای زندگی بشر می دانند که باید از آن پیروی کرد. او

انسان کامل است و قرآن مجید او را اسوه معرفی کرده است : « قطعاً » برای شما در اقتدا به رسول خدا سرمشقی نیکو است . « افزودن بر زندگی پیامبر (= سیره) که با تمام جزئیات در کتب سیره و تاریخ ضبط شده و مورد عنایت فراوان مسلمانان است ، سخنان پیامبر نیز - حتی در غیر مواردی که به تصریح پیامبر وحی بوده است - مورد اقبال و توجه مسلمانان می باشد؛ زیرا به گفته خداوند در قرآن کریم : « آواز سرهوس سخن نمی گوید ... » و پیامبر اکرم در مقام تفسیر و تبیین قرآن قرارداد: « و این قرآن را به سوی توفروود آوردیم تا برای مردم آنچه رابه سوی ایشان نازل شده است ، توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند. » مسلمانان در طول تاریخ با اخلاص و عشق و علاقه از شخصی که برای بسط پیام خداوند برگزیده او در روی زمین و نخستین شارح و مفسر کلام او است ، پیروی کرده و برای و برای فهمیدن اقوال او تلاش کرده اند. عادات و افعال پیامبر گرامی اسلام (ص) به « سنت » و اقوال او به « حدیث » موسوم است ؛ بنابراین ، سنت و حدیث دومین مبنا و منبع اساسی اسلام پس از قرآن کریم است . « سنت » پیامبر شامل چگونگی انجام امور ظاهری روزمره ای همچون وارد شدن به خانه کسی یا مسجد، سلام کردن به همسایه ، نحوه آرایش سرو صورت و ... تا عمق ترین اعمال و سلوک های دینی و اخلاقی و مهنوی ، مانند رفتار با دوستان ، برخورد با دشمنان ، نماز خواندن با حضور قلب ، شفقت و ورزیدن نسبت به سایر مسلمانان و همه بشریت و اموری از این دست است .

اما « حدیث » شامل مجموعه بسیار گسترده ای از سخنان رسول گرامی اسلام (ص) می شود که در طول سه قرن نخست تاریخ اسلام توسط نسل های از دانشمندی که به « محدثان » معروف بوده اند، گردآوری شده است و در ضمن به روایان حدیث توجه خاص شده ، احادیث ضعیف و موثق به از نظر سلسله روایان و ثاقت بیشتری دارند و قابل اعتمادند، از احادیث ضعیف متمایز و در مجموعه هایی تدوین گردیده است . نخستین گروه از مجامع حدیثی همان هایی است که توسط تدوین کنندگان کتب مشهور به « صحیح » ، فراهم آمد و به « صحاح الستة » شهرت یافت و اهل سنت در طول تاریخ اسلام آنها را به عنوان مجموعه های حدیثی صحیح و موثق پذیرفته اند . شیعیان با توجه

به احادیث معتبر پیامبر، مانند حدیث ثقلین ، منزلت ، سفینه ، انذارو ... ،فاطمه زهرا (س) ، امیرالمومنین علی ابن ابیطالب (ع) و یازده فرزندان ایشان را نیز معصوم و گفتارشان را حجت و راهنمای سعادت خویش می دانند. احادیث شیعه در چهار مجموعه معتبر با عنوان « کتب الاربعه » تدوین شده است ؛ البته محتوای بخش بزرگی از احادیث هر دو گروه شیعه و سنی (به ویژه در زمینه اعتقادات و اخلاق) اساساً " یکسان و همانند است . در این پژوهش به دلیل محدودتر کردن گستره پژوهش ، کتاب کافی از محمد بن یعقوب کلینی (یکی از کتب اربعه) به عنوان منبع دوم در کنار قرآن مورد استفاده قرار گرفته است .

تعالیم اسلام : عمده آموزه های اسلام بر سه محور اعتقادات ، اخلاقیات و وظایف عملی (عبادات) قرار دارند که به اختصار بیان می شود:

الف – اعتقادات : اصول اعتقادی اسلام ، یعنی ایمان و عقیده به توحید ، نبوت و معاد . این سه اصل ، شالوده دیانت اسلام را تشکیل می دهند، به گونه ای که همه گزاره های خبری و انشایی که در این آیین آمده ، مهنا بخشی خود را از این اصل ها یا هر سه آنها گرفته است . اصطلاح « اعتقادات » یا « اصول اعتقادی » در منابع اولیه نیامده ، ولی محتوای آن ، یعنی همین اصل های سه گانه ، ارکان دین داری در اسلام می باشند:

۱ • توحید: توحید یعنی خدای متعال آفریننده جهان بوده وهست و در ذات ، صفات و افعال یگانه می باشد و هیچ کس به هیچ روی همکار و شریک او نیست . بر اساس آموزه های قرآن ، وجود خداوند آشکار است و هیچ تردیدی در آن نیست . نشانه های او آن چنان جهان را پر کرده است که اندکی تفکر و تدبر درباره ساده ترین آفریده ها کافی است که انسان غافل را به آفریننده آنها رهنمون شود . شناخت خداوند از درون انسان ها سر چشمه می گیرد؛ یعنی همان جایی که خدا معرفت خویش را به گونه فطری در آن نهاده است . از سویی همه آفریده ها زبان به تسبیح و تقدیس او گشوده اند و تسبیح وقتی معنا می یابد به ستایش کننده ، ستایش شونده را بشناسد .

اعراب توحید ذاتی و اینکه جهان دارای یک مبدا است را باور داشتند، ولی در اصطلاح توحید افعا - لی و صفاتی را نمی پذیرفتند و از این جهت مشرک بودند؛ به عبارت دیگر درکنار « الله » گاه به صورت انتزاعی و گله به شکل بت به وجود خدایانی معتقد بودند. قرآن با تعبیرهای گوناگون با عقاید شرک آمیز و مخالف توحید، سخت مبارزه می کند. هرگونه تدبیر عالم به وسیله موجودهایی که مورد پرستش قرار گیرند و نزد خداوند واسطه باشند ، مورد انکار و توبیخ خداوند است. اسلام عنایت فراوانی بر ریشه کن کردن چندگانه گرایی دارد و استدلال هایی نیز در این زمینه ارائه می دهد؛ ما نند آنکه اگر برای عالم خدایانی درکنار الله فرض شود، همه آنها از جهت ذات مختلف بوده و در نتیجه تدبیرشان نیز با هم مبانی متفاوت خواهد داشت. از سوی دیگر ، چون تدبیرها با هم سازگار نیستند ، موجب برهم ریختن نظام جهان خواهند شد، اما این نظام جاری دستگاهی است که اجزایش باهم ، هماهنگی دارند؛ پس در عالم یک تدبیر و یک خدا بیش نیست . اسلام همواره بر توکل بر خدای متعال ، پذیرفتن ولایت او ، دوستی یا دشمنی در راه او و اخلاص عمل ، به عنوان نتایج توحید ، سفارش می کند در مقابل ، انسان را از هر گونه شرک و تکیه کردن بر غیر خداوند بر خذر می دارد. پیروی از خواسته های هوس آلود نیز یکی از مراتب شرک عملی است . عالی ترین مرتبه توحید این است که شخص هیچ گاه از یاد خدا غافل نماند . توحید عملی نیز بدین معناست که انسان کارهای پسندیده را تنها برای خشنودی خدا و ثواب اخروی انجام دهد. قرآن از جهت معرفت شناسی ، ایمان به غیب را برای ایجاد آمادگی روانی برای ایمان به خداوند ، مطرح می کند و آن را در جهان محسوس « شهادت » قرار می دهد. غیب به معنای اموری است که حس به آن دسترسی ندارد؛ مانند خدا ، وحی ، فرشتگان و... مطابق جهان شناسی اسلام ، موجوداتی در جهان به نام ملک (فرشته) نیز وجود دارند که تدبیر کنندگان امور جهانند و ایمان به آنها نیز لازم است .

۲۰ نبوت : واژه « نبی » از نبأ گرفته شده و به این دلیل پیامبر را نبی گویند که از غیب خبر می دهد. قرآن این ادراک و دریافت غیبی را « وحی » می خواند. وحی نوعی سخن گفتن خدا با انسان می باشد که نبوت بر آن متوقف است . وحی یا شعور باطنی پیامبران هرگز دست خوش دگرگونی

و فساد نمی شود و از این رو است که همه پیامبران معصومند. ویژگی دیگر پیامبران آوردن معجزه است؛ به دیگر سخن قرآن از رویدادهایی سخن می گوید که با جریان مشهود در عالم طبیعت نا آشناست. میان پیامبران مختلف درجات مختلفی وجود دارد؛ برخی تنها نبی هستند و برخی رسول و دارای رسالت تبلیغ؛ پنج تن از ایشان اولوالعزم هستند؛ یعنی دارای کتاب و شریعتند که عبارتند از: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (ص) در این میان، پیامبر اسلام - حضرت محمد (ص) - برجستگی چشمگیری دارد. وی خاتم پیامبران و دارای رسالت جهانی و جاودانی است، از این رو، دین اسلام خانم ادیان است؛ یعنی هرگز نسخ نشده و شریعتش همواره پایدار می باشد و کمال فردی و اجتماعی انسان همان است که قرآن بیان داشته و به صورت برنامه شریعت وضع کرده است؛ اما معجزه جاوید و همیشگی پیامبر اسلام قرآن کریم است.

بنابراین، مقصود از اصل نبوت است که حضرت محمد (ص) پیام آور و فرستاده خداست و به دنبال سلسله ای از پیامبران و به عنوان آخرین آنها از سوی خداوند مس باشد که به او وحی گردیده است. ایمان به پیامبران الهی، کتب آسمانی، پیامبر اکرم (ص) و نیز قرآن کریم و تعالیم آن به عنوان پیام الهی در همین اصل قرار می گیرند.

۳ + معاد: ایمان و اعتقاد به اینکه روز قیامت بدون شک رخ داد و درگاه الهی به خوب و بد کردارهای مردم رسیدگی خواهد شد و سرانجام، نیکان به بهشت و بدکاران به دوزخ خواهند رفت.

انکار معاد انکار امر ونهی و وعده و وعید و نبوت و وحی را در پی دارد و در حقیقت، یکسره موجب باطل انگاشتن دین الهی می گردد. بیش از یک چهارم آیات قرآن و بخش مهمی از روایات، به گونه های مختلف، به معاد مربوط می شود؛ تا آنجا که وقتی از کافران سخن به میان می آید؛ یا اینکه چه بسا به توحید و نبوت معتقد نبودند، تنها به این امر بسنده می شود که اینان به آخرت باور ندارند. همچنین اعمال صالح شخص مسلمان وقتی به نتیجه می رسد که به آخرت یقین داشته باشد، چه اگر کسی به این امر باور نداشته باشد، همه باور نداشته باشد، همه کردارهای نیک او بی نتیجه و بیهوده می مانند. اجل و مرگ نخستین مرحله برای راه یابی به جهان آخرت و معاد است. انسان

درهنگام مرگ نابود نمی شود، بلکه از جهان دنیوی به جهان دیگر انتقال می یابد. مرگ، هنگام بازگشت به سوی خداست و کیفیت آن چنین است که خداوند یا کارگزاران او (فرشتگان)، نفس (یا روح) را به طور کامل از جسم گرفته، آن را نگه می دارند که این امر خود مستلزم بقای روح است.

انسان پس از مرگ، زندگی نویری را درعالم برزخ آغاز می کند و این عالم مرحله ای برای انسان از مرگ تا قیامت است. اما قیامت با نفخ صور آغاز می شود و نظام جهان دگرگون می گردد. انسان ها با بدن خویش - نه صرفاً "روح انسان" - درعرصه محشر حاضر می شوند. با ترازوی عدل الهی اعمال انسان ها سنجیده می شود؛ آنان که درترازوی عدل الهی کردارهایشان سنگین باشد، رستگار گردیده و به بهشت می روند و آنان که اعمالشان سبک (ناشایست) باشد به آتش دوزخ گرفتار می شوند.

به هر روی همه انسان ها دردوزخ یا بهشت جز اعمال گذشته خویش را نمی بینند. بهشت با تمثیل و تشبیه وصف شده و بلبآنچه از نظر انسان ارزش و اعتبار دارد، موافق است؛ یعنی با کرامت، شرافت، فضیلت، جمال لذت های حسی و همنشینی با خوبان و خوبرویان. جهنم با صفاتی معرفی شده که منفور طبع انسان هاست؛ مانند سوختن درآتش، ماندن میان مرگ و زندگی، آشامیدن آب جوش و خوردن از میوه های ناگوار و ناخوشایند.

۴ • سایر اصول اعتقادی: برخی مسائل مانند امامت و پیشوائی معصومان (ع) پس از پیامبر

اکرم (ص)، افزودن برآنکه از آیات قرآن قابل استفاده است و احادیث متعددی نیز برآن صراحت دارد، درحقیقت اصل مستقلی نیست، بلکه درادامه و تداوم همان نبوت و درمقام تفسیر و تبیین آیات قرآن و هدایت علمی، عملی و معنوی آحاد مسلمانان، قرار دارند: «درحیات معنوی و باطنی انسان، شیوه و راه و رسمی بس باریک و پیچیده است که جز با راهنمایی و رهبری انسانی که خود عامل و رهرو راستین این راه بوده و دارای همان حیات معنوی باشد، مسیر نیست، زیرا تا خدا کسی

را هدایت نکنند، هدایت دیگران را به او نمی سپارد. امور دیگری مانند عدل الهی ، مسئول و مختار بودن انسان و... به همین صورت قابل تبیین است .

ب – اخلاقیات : دومین پیام مهم اسلام و قرآن ، اخلاق است ، یعنی به اصول اخلاقی که انسان باید مطابق و موافق با آن زندگی کند و نیز به کاربرد اصول ، عنایت ویژه دارد . پیوسته عواقب و نتایج نهایی اعمال انسان ها را به او تذکر می دهد و این واقعیت را به او می آموزد که نتایج و آثار اعمال بشر نه تنها در دنیا که در آخرت نیز گریبان او را رها نخواهد کرد و خداوند از ما انتظار دارد که نیکی کنیم و عادل و مهربان و پارسا پیشه باشیم . در سراسر قرآن نه تنها به گناهان (انحراف از اصول اخلاقی) خاص و مشخصی چون دزدی ، قتل نفس و یا زنا و مانند آنها اشاره شده ، بلکه اصول کلی متمایز کننده خیر و شر اعمال نیز ارائه گردیده است . شاید محکم ترین تعبیر قرآن در این زمینه همانا « تقوی » باشد که می توان آن را به ترس آمیخته با احترامی از خداوند ، معنا کرد که در زندگی و اعمال و افعال بشر و افعال بشر بازتاب می یابد .

خطوط کلی اخلاقیات اسلام در ضمن بخش های گوناگون فردی ، خانواده ، روابط اجت ماعی ، اقتصادی و غیر آنها قرار می گیرد که در فصل آینده به بحث گذاشته می شود .

ج – وظایف عملی و عبادات : از آنجا که پیام اصلی اسلام توحید است و یکی از مراحل آن ، توحید در عبادت می باشد، پس از قبول قلبی و اقرار زبانی به شهادتین ، باید « عمل به ارکان » را مکمل موحد بودن شمرد . عبادت در معنای عام آن ، بندگی و اجرای دستورهای پروردگار در همه امور است ؛ البته باید به قصد تقرب به خداوند صورت گیرد و بالاترین سر و راز عبادت همین تعبد است . عبادات یا وظایف عملی ، بخش مهمی از مجموعه اعمال و رفتاری را تشکیل می دهد که در فرهنگ اسلامی با عنوان فروع دین شناخته شده است و در کنار اصول دین قرار دارد . در آموزش های معمول شیعه ، در شمارش این فروع ، نماز و روزه و زکات و خمس و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و در نهایت تولی و تبری جای دارد؛ اما نزد مذاهب اهل سنت ، برخی از این فروع چندان توسعه نیافته و بر آنها تأکید نشده است .

در بررسی تحلیلی عبادات و آداب دینی در اسلام، به سختی می توان عملی را نشان داد که تنها دارای جنبه فردی، بدون برخورداری از جنبه های اجتماعی، باشد، ولی در نگرش نسبی، برخی فروع دین، یعنی نماز، روزه و حج، بیشتر در طیف عبادی جای می گیرند، در حالی که دسته ای دیگر از جمله زکات و خمس، دارای جنبه اجتماعی - اقتصادی و دسته سوم از جمله جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری، دارای جنبه قوی اجتماعی - سیاسی می باشند. حتی در مورد نماز، روزه و حج، از نظر زمانی، ویژگی ه ای متمایز دیده میشود و ابعاد جمعی و اجتماعی خالی نیستند. نماز فریضه ای روزانه، روزه عبادتی موسمی و یک ماه در سال، حج فریضه ای است که تنها یک بار در عمر انسان واجب می شود و در مجموع، به جای آوردن این اعمال لازمه مسلمان بودن و از ضروریات بقا و دوام غرت امت اسلامی است.

افزون بر اینها، در منابع اسلامی در مورد روابط مدنی و حقوق خصوصی نیز چه حوزه درون خانواده و چه در حوزه فراتر از آن، یعنی در جامعه (روابط مالی و معاملاتی، مسائل جزایی و قضایی و نیز امور سیاسی و مبانی حکومت) آموزه هایی به صورت واجب، مستحب و غیر آنها به چشم می خورد. **ساختار اسلام:** با توجه به گستره وسیع تعالیم اسلام و لزوم ارائه یک ساختار و دسته بندی نسبتاً جامع از آموزه های آن، در اینجا دیدگاه برخی اندیشمندان و متفکران مسلمان مرور را و سپس طرح مورد قبول را ارائه می کنیم:

الف - دیدگاه ابو حامد غزالی - وی در کتاب احیاء علوم الدین به زبان عربی و در کتاب کیمیای سعادت به زبان فارسی؛ علوم دین و شرایط مسلمان بودن را در امور ذیل می داند: «... عنوان مسلمانی، معرفت چهار چیز است: حقیقت خود را بشناسد. خدای تعالی را بشناسد، حقیقت دنیا را بشناسد و حقیقت آخرت را بشناسد. ارکان معاملات مسلمانی چهار است، دو به ظاهر تعلق دارد و دو به باطن؛ آن دو که به ظاهر تعلق دارد: رکن اول گزاردن فرمان حق است که آن را « عبادات » گویند. رکن دوم نگاه داشتن ادب است اندر حرکات و سکنات و معیشت که آن را « معاملات » (عادات) گویند، و آن دو که به باطن تعلق دارد: یکی پاک کردن دل است از اخلاق ناپسند چون

خشم و بخل وریا که این اخلاق را « مهلکات » و عقبات راه دین گویند و دیگر رکن ، آراستن دل است به اخلاق پسندیده ؛ چون صبر و شکر و محبت و ... که آن را « منجیات » گویند.»

ب- دیده گاه شهید سید محمد باقر صدر : وی مجموعه تعالیم اسلام را در چهار محور روابط انسان با خداوند ، با خود، دیگران و با طبیعت دسته بندی می کند. این طبقه بندی نسبتاً " جامع است و با محدودی ویژگی ها شاخص های مورد نظر اسلام را در مورد به ابعاد اخلاق فردی (از جمله محاسبه اعمال و گفتار خود) ، مهم ترین اشکال این است که رابطه انسان و خدا را در عرض روابط دیگر و در کنار آنها آورده است ، در حالی که اینها در یک سطح نیستند . از دیدگاه قرآن رابطه انسان و خدا که مهم ترین مولفه اش ایمان است ، بر همه روابط و افعال انسان حاکم بوده و به نوعی در همه آنها حضور دارد.

ج - دیدگاه استاد مطهری : شهید مرتضی مطهری طبقه بندی مشهور از تعالیم اسلام را که بسیاری از دانشمندان اسلامی مورد استفاده قرار داده اند، می پذیرد: « مجموعه تعالیم اسلامی از یک لحاظ سه بخش را تشکیل می دهد:

۱- اصول عقاید: یعنی چیزهایی که وظیفه هر فرد کوشش درباره تحصیل عقیده درباره آنهاست . کاری که در زمینه برعهده انسان ، از نوع کار تحقیقی و علمی است .

۲- اخلاقیات : یعنی خصلت هایی که وظیفه یک فرد مسلمان این است که خویشتن را به آن خصلت ها و خوبی ها بیاراید و از اضرار آنها خویشتن را دور نگه دارد. کاری که در این زمینه به عهده انسان است از نوع مراقبت نفس و خودسازی است .

۳- احکام : دستورهایی که به فعالیت های خارجی و عینی انسان ، اعم از امور معاشی و معادی ، دنیوی و اخروی ، فردی و اجتماعی مربوط است .

اسلام مکتبی است جامع و واقع گرا، [که در آن] به همه جوانب نیاز های انسانی ، اعم از دنیایی و آخرتی ، جسمی یا روحی ، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی ، فردی یا اجتماعی توجه شده

است. « این طبقه بندی بر همان تقسیم مشهور اصول دین و فروع دین و اخلاق منطبق است. این طبقه بندی جامع و تقریباً " معیار است. ما نیز از آن بهره خواهیم برد؛ لیکن برای منظور ما، اصلاحاتی نیازمند است که برابعد روان شناختی انسان (جهت تهیه آزمون) انطباق بیشتری داشته باشد.

د - دیدگاه استاد مصباح یزدی : وی (۱۳۶۹، ص ۱۱-۱۶) با نقد طبقه بندی های دیگری که از معارف اسلام شده، طبقه بندی مطلوب را براساس و محور (الله) می داند و به صورت که از طولی (نه در عرض هم) ۱۰ طبقه را عرضه می دارد؛ یعنی معارف قرآن مانده یک رودخانه جاری و آبشاری که از منبع فیض الهی سرازیر است؛ به هر بخشی و مرحله ای که می رسد، آنجا سیراب می کند. وی در ترجیح این تقسیم بندی می گوید: «... بهتر است محور همه معارف قرآنی را «الله» قرار دهیم که کاملاً" با روح تعالیم قرآن سازگار است و نخست به مسائل خداشناسی و انسان شناسی وارد می شویم و سپس سایر مسائل انسانی را از راه تدبیر و تربیت الهی نسبت به انسان مورد بحث قرار دهیم؛ بدین ترتیب، سیستم منسجمی از معارف به دست می آید که هم محور آنها اصالت حقیقی دارد و هم حلقه های آن دارای پیوند و ترتیب روشنی می باشد.

مزیت مهم این طبقه بندی، امکان انطباق آن با نرم افزارهای جدید رایانه ای است، به ویژه در برنامه های مشابه «ویندوز» به راحتی قابل اندارج و بسط است، لیکن برای ساختن آزمون جهت گیری مذهبی که ناظر به ویژگی های فرد از جهت دین داری است؛ این طبقه بندی نیز کارساز نخواهد بود؛ زیرا از هدف مورد نظر عام تراست و بخش های عدیده ای از آن در انسان نحقق نمی یابد. (امنند مباحث جهان شناسی، قرآن شناسی و...).

ه - دیدگاه مورد قبول : از آنجا که هر یک از طبقه بندی های پیشین از جهاتی با این پژوهش مناسب نیست - همان گونه که ذکر شد- با استفاده از تجربه های و طرح های گفته شده باید طبقه بندی ای ارائه کنیم که از یک سو نسبتاً " جامع و بر مجموعه آموزه های اسلام در مورد دین

داری یک مسلمان منطبق باشد و از سوی دیگر قابلیت کمی شدن و تبدیل به یک پرسش نامه یا آزمون روان شناختی را داشته باشد.

آزمون جهت گیری مذهبی در طبقه بندی انواع آزمونهای روانی در مجموعه آزمون های شخصیت و دیگر ویژگی های عاطفی قرار می گیرد. مانند آزمون خودشناسی ، رغبت ها و باز خوردها ؛ از این رو برای نزدیک شدن به مقصود می توانیم از دیا گرام سلسله مراتب عوامل شخصیت کمک بگیریم ، به ویژه برحسب نظر آیسنک (۱۹۶۰) و گیلفورد (۱۹۵۹) ، نظام میان عوامل شخصیت را به ترتیب از واکنش های اختصاصی (جزیی و معین) تا واکنش های عادی (رگه های سطحی) ، عوامل نخستین (رگه ها) و عوامل مرتبه دوم (ریخت ها) برقرار می سازیم (به نقل از مای لی) ، بنابراین ، احتمالاً " می توانیم از جهت نظری ، مجموعه ویژگی هایی که جهت گیری مذهبی را در یک فرد نشان می دهد ، مشابه با تحلیل عوامل شخصیت و بر مبنای الگوی سلسله مراتبی ارائیه می کنیم از جهت دیگر ، بر مبنای تعریف سالواتور مدی (۱۹۸۹) از شخصیت « مجموعه خصلت ها و گرایش ها که وجوه اشتراک و تفاوت های رفتار روان شناختی افراد (افکار ، احساسات و اعمال) را تعیین می کند که استمرار زمانی دارند و نیز ممکن نیست به سادگی آنها را به عنوان نتیجه اختصاصی فشارهای اجتماعی و زیست شناختی موقتی فهم کنیم » و بر اساس دیا گرامی که از بخش های شخصیت عرضه می کند:

می توانیم « ایمان » را گرایش هسته ای در جهت گیری مذهبی بدانیم که در حقیقت کلید واژه اصلی دین داری در متون دینی نیز هست .

حال اگر با تحلیل متون دینی اسلام (قرآن و روایت های معتبر) ، از واژه « ایمان » و کلمه های را که دارای میدان های معنایی نزدیک به آن می باشند ، مانند اسلام ، تقوی ، دین ، هدایت و ... بررسی کنیم و مجموعه رفتارها و رگه هایی (خصایل) که از یک مومن یا دین دار متوقع است ، گرد آوریم ، می توانیم به مقصود مورد نظر در این پژوهش نزدیک شویم ؛ پس از آن با یک دسته بندی در مقوله های متمایز از یکدیگر ، رفتارهای نزدیک به هم را جدا می کنیم .

در این طبقه بندی « ایمان » گرایش هسته ای است که جهت گیری کلی درزندگی را مشخص می کند و درسه حوزه اساسی دین ، یعنی اصول دین ، فروغ دین و اخلاقیات ، ظهور می یابد. مقوله های اساسی که می توانیم به طور نسبتاً " جامع ، مجموعه ویژگی های مومن را از دیدگاه اسلام در آنها قرار دهیم ، عبارتند از : انسان و خدا، انسان و آخرت ، اولیای دین ، انسان و دین ، بدن و قوای زیستی ، امور اقتصادی ، روابط اجتماعی ، خانواده ، انسان و طبیعت ، درنهایت ، اخلاق فردی . این مقوله هادر حقیقت عامل مرتبه دوم است مه هر یک مجموعه ای از رگه ها و ویژگی های نزدیک به هم را در خود جای می دهد.

همان گونه که غریزه جنسی یا پر خاشگری ، هسته نظریه شخصیت از دیدگاه فروید و خود شکوفایی یا تحقق خود، هسته نظریه **مزلو و راجرز** است و به عنوان اصل موضوع پذیرفته شده اند (مدی، ۱۹۸۹) ، در اینجا می توانیم « ایمان » را به عنوان هسته نظریه شخصیت که جهت گیری مذهبی را سامان می دهد، در نظر بگیریم . و بپذیریم (اثبات و تبیین این نظریه نیازمند مباحث تفصیلی است که در جای خود باید دنبال شود).